

شوروی ستیزی و توده‌های ستیزی، وجه مشترک سیاست امپریالیسم و ارتجاع خواستار مسخ انقلاب بهمن

دولت " دوست و برادر" ترکیه - که در پیمان تجاوزکارانه ناتو نیز عضویت دارد - ابراز رضایت و خشنودی کردند.

امروزه با چرخش هیلت حاکم ج. ا. به راست و نسوی و مسانی هر چه بیشتر آن با امپریالیسم ابراز رضایت و خشنودی مقامات ج. ا. از گسترش روابط با دولت های وابسته به امپریالیسم، مانند دولت کودتایی ترکیه، تعجب برانگیز نیست. ولی بقیه در صفحه ۱۱

در هفته گذشته وزیر امور خارجه ترکیه به همراه هیئتی از مقامات اقتصادی و سیاسی آن کشور برای دیداری دو روزه به ایران سفر کرد. اوطلی این سفر که زمینه ساز سفر یک هیئت بازرگانی از ترکیه و مقدمه سفر نخست وزیر آن کشور به ج. ا. است، با مقامات کوناگون جمهوری اسلامی از جمله رییس جمهور، رییس مجلس، نخست وزیر و وزیر امور خارجه ملاقات کرد. در این دیدارها کلیه مقامات جمهوری اسلامی از گسترش روابط اقتصادی و سیاسی جمهوری اسلامی با

راه توده

شریح‌پردازان حزب توده ایران در طرح از کشور

دوشنبه ۲۹ اسفند ۱۳۶۲

مطابق ۱۹ مارس ۱۹۸۴

سال دوم، شماره ۸۴

پس از ۴۰۰ ریال

نوروز پیر و زاست!

سال نو شد.

عید است و مردم کوچه و بازار، شکر و ده، به رهم فصل‌های اشک و غم و رنجی که پشت سر گذاشته‌اند، به آن لبخند می‌زنند.

سالی پر کسوف و کابوس، پر مین ما گذشت. سالی که پستای یورش به حزب توده ایران آغاز شد.

همه سویه به منافع محرومین پایان گرفت. سالی که امپریالیسم آمریکا، دشمن ترین خصم زحمتکشان، به دوست بی‌خطر جمهوری اسلامی بدل شد.

سالی که صاحبان اصلی زمین، غاصبان "فساد ساز" لقب گرفتند و به حاشیه شهرها، به کناره زندگی، به آن سوی صحنه انقلاب رانده شدند.

سالی که کارگران چشم به راه ثمرات انقلاب، جلوس کبریائی سرمایه‌داران را بر صندلی "کارفرمایی" به چشم خود دیدند.

سالی که درخت زقوم جنگ، بازم با خون هزار جوان زندگی ساز آبیاری شد. سالی که نوید آزادی، به هرینده جنون آمیز استبداد و ترور رسید و در دستانی که با وعده آزادی به سوی خلق دراز شده بود، سرنیزه و ژانگشت و قلب

بقیه در صفحه ۸

چشم براه!

سرخ گل امسال

بیهده بر شاخسار چشم به راه است.

بیهده سر می‌کشد به خامشی باغ

بیهده دل می‌دهد به قاصدک باد

بر لب باد وزنده آتش آه است

سرخ گل امسال

رنگ پریده است،

جامه دریده است،

مضطرب خون تپیدگان سپیده است.

فاجعه را با دها ن بسته گواه است.

حسرت آواز

جای خالی پرواز

غیبت آن جان پاک غلغله انداز

باغ تپه مانده را به گوش و نگاه است

سرخ گل اما

در تک تشویش باغ، چشم به راه است.

سیاوش کسرائی

۱۲ اسفند ۱۳۶۲

لاش جنگ افروزان برای پرده پوشی شکست فاجعه آمیز و تجاوز ظامی امپریالیسم آمریکا

استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی امپریالیستی، بهانه‌ای برای عوامفریبی و بهبود مناسبات با امپریالیسم

ابعاد دهشتناک تلفات و خسارات ج. ا. در

پنج شکست ماجراجویی‌های اخیر سران ج. ا.

با واکنش گسترده توده‌های مردم مواجه شده

ت. موج ناراضی و اعتراض زحمتکشان به

امه جنگ توسعه طلبانه، و بازگشت و فرار

ستکشان پسیمی از جبهه‌ها، سران ج. ا. را

اسیمه کرده است. استفاده از اقتدار مذهبی

لی‌ترین مقامات حاکمیت برای جلب اعتماد

دم کفایت نکرده است. مردمی که ابعاد

جعه آمیز - ز این شکست را - به دنبال

کست‌های بیست ماهه اخیر - در

بیع جنازه‌های گروهی روزمره ده‌ها هزار تن

فرزندان خویش در شهرها و روستاهای کوچک

بزرگ سراسر کشور، در سرنوشت نامعلوم

اران تن از یازماندگان - زنده یا مرده - در

ک عراق که نشانی از آنها در دست نیست، در

ل پایان ناپذیر ده‌ها هزار زخمی و

لولو و آوارگی صدها هزار تن دیگر از م

بنان خویش لس می‌کنند. ادعاهای بی‌پایه

ک طلبان مبنی بر کسب پیروزی را باور

کنند و سران ج. ا. به ناگزیر به ترفندهای

زه‌ای برای "تکذیب" شکست و توجیه "عقب

ینی" دست می‌زنند. آقای هاشمی رفسنجانی

د را ناگزیر می‌بیند به مردم اطمینان دهد که

آنان دروغ نمی‌گویند:

"اما وضع امروز جبهه... غیر از پیروزی

زی نیست. مطمئن باشید که به عنوان یک

بقیه در صفحه ۲

در صفحات

ضمیمه نوروزی: نوروز را جشن بگیریم!

بند

عیدی دولت به سرمایه‌داران صفحه ۷

اتحاد شوروی استعمال هر نوع سلاح شیمیایی را محکوم می‌کند

صفحه ۶

«اعتصاب غذای ۶۴ میهن دوست ایرانی در لندن»

صفحه ۳

اعتصاب غذا در آلمان فدرال صفحه ۴

پیام سازمانهای حزب توده ایران در خارج از کشور به مبارزان اعتصابی:

دست خونین حاکمیت رو بر تافته از خلق را کوتاه سازیم!

صفحه ۵

باید اربابان گسترده با زندانیان توده‌ای!

روزنامه رسمی کشور

تلاش جنگ افروزان برای پرده پوشی

بقیه از صفحه ۱

گوینده صدیق که همه چیز را می‌خواهم با مردم صادقانه مطرح بکنم عرض می‌کنم ..."

در همان حال ادعا می‌کند که گویا رژیم عراق اجساد سربازان ایران را از سراسر جبهه چند صد کیلومتری گرد آورده و اجساد کشته شدگان خویش را نیز به آن افزوده و در باتلاق‌های جبهه جنوبی رها کرده و آن‌ها را به عنوان تلفات بی‌شمار ایران در عملیات خیبر به خبرنگاران نشان داده است! لحن التماس آمیز آقای رفسنجانی در تلاش برای جلب حمایت مردم از ادامه جنگ توسعه طلبانه بی‌سابقه است:

"ما که هر چه فکر می‌کنیم، هر چه دقت می‌کنیم، مفری نمی‌بینیم. تنها راهی که ... می‌تواند عملی بشود اینست که حزب بعث عراق از صحنه بیرون رود ... چیز دیگری به ذهن ما واقعاً نمی‌رسد. کسانی که حرف ما را می‌شنوند و چیزی به نظرشان می‌رسد، عبدالله بگویند که راهی وجود دارد یا وجود ندارد؟" (نماز جمعه، ۱۹ اسفند ۶۲ - کیهان)

چنانکه از این سخنان آشکار است، سران ج. ا. سعی می‌کنند، بن بست سیاسی حاکمیت را مسئله مردم جلوه دهند، و این فاجعه ملی را همچنان به مردم تحمیل کنند.

استفاده عراق از سلاح‌های

شیمیایی امپریالیستی

بهبانه‌ای برای توجیه شکست نظامی

یکی از ویژگی‌های مرحله اخیر جنگ، تشدید خصلت ضد انسانی آن، گسترش کشتار مردم بی‌گناه شهرهای مرزی دو کشور از یک سو، و استفاده صدام حسین از سلاح‌های شیمیایی امپریالیستی از سوی دیگر بود. بشریت مرفقی استفاده از سلاح‌های شیمیایی را از دیرباز ممنوع اعلام کرده است، و در جریان حوادث اخیر جنگ ایران و عراق نیز این اقدام جنایتکارانه صدام حسین را محکوم کرده است.

اما سران ج. ا. که مسئولیت مستقیم قتل عام ده‌ها هزار تن از هم‌میهنان ما، در جریان ادامه توسعه طلبانه جنگ ایران و عراق را به عهده دارند، امروز نیز استفاده جنایتکارانه صدام حسین از سلاح‌های شیمیایی را به وسیله‌ای برای توجیه شکست نظامی خویش، غلبه بر اعتراضات و مقاومت‌های مردمی نسبت به ادامه جنگ، و زمینه سازی برای گسیل دوباره زحمتکشان به قتلگاه تبدیل کرده‌اند.

کاربرد سلاح‌های شیمیایی از سوی عراق - به گفته رییس جمهوری اسلامی - به کشته و مجروح

شدن قریب هزار تن از هموطنان ما انجامیده است. این رقم کمتر از چند درصد مجموع تلفات ایران در حملات نافرمانی اخیر است. روشن است که عمل جنایتکارانه رژیم عراق را نمی‌توان عامل نظامی شکست ماجراجویی‌های جنگ طلبان حاکم دانست. این عمل جنایتکارانه نه این شکست قابل پیش بینی را توجیه می‌کند و نه مسئولیت مستقیم جنگ افروزان را در تحمیل این فاجعه مصیبت دیده ما منتفی می‌سازد.

کاربرد سلاح‌های شیمیایی از سوی عراق، بهانه‌ای برای پرده پوشی، تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا و وسیله جدیدی برای بهبود مناسبات با آن!

یکی از نتایج مستقیم جنگ افروزی کشور کشیانه عظمت طلبان ج. ا. تکبیت حضور نظامی امپریالیسم آمریکا در خلیج فارس است. ایالات متحده، منطقه گسترده‌ای از آبها و فضای خلیج فارس را تحت کنترل نظامی مستقیم ناوگان خویش در آورده است و مقرراتی که برای عبور کشتی‌ها و هواپیماهای "خارجی" از این منطقه وضع کرده است به مراتب محدودتر از مقرراتی است که در آبهای تحت حاکمیت مستقیم آمریکا اعمال می‌شود. ماه گذشته رزمناوهای آمریکایی با آغاز عملیات جنگی علیه هواپیماها و کشتی‌های ایران در قالب تجاوز نظامی آشکار، حق حاکمیت ملی مردم را وقیحانه زیر پا گذاردند.

حادث شدن مناسبات با امپریالیسم جهانی با استراتژی سیاسی - نظامی که سران ج. ا. برای پیروزی ناممکن در جنگ توسعه طلبانه تنظیم کرده‌اند - فایده دارد. هدف است که حاکمیت ج. ا. سیاست تسلیم به اساسی‌ترین منافع و مطامع امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، برای جلب پشتیبانی بازم بیشتر آنان از ج. ا. و دست برداشتن از حمایت از حکومت عراق را دنبال می‌کنند. این سیاست هفتگی گذشته نیز در این سخنان رئیس مجلس ملاقات با وزیر خارجه ترکیه - با ژنرال یافت:

"اگر صدام را به حال خودش واگذاریم ... هم کشورهای نفت خیز عرب را با خود به ورطه سقوط خواهد کشید و هم مجری اهداف شوروی خواهد بود. ... در سایه حل مسئله عراق مسئله افغانستان نیز قابل حل است. اگر این مسئله حل نشود در افغانستان هم مشکلات قابل حل نیستند. هم اکنون دو مشکل مهم منطقه افغانستان و حزب بعث عراق است ... اگر این دو مشکل حل شود کشورهای عربی و ما و شام پاکستان می‌توانیم همکاری‌های سازنده‌تری برای منطقه داشته باشیم ... و همچنین حسن دیگر آن اینست که اگر یک حکومت اسلامی در عراق به وجود بیاید خطر کمونیسم از منطقه دور خواهد شد" (ج. ا. ۲۰۰۱ اسفند ۶۲).

این سخنان که به ویژه در شرایطی که میهن ما مورد تجاوز امپریالیستی ایالات متحده قرار

گرفته است بیان می‌شوند، آشکارا ن می‌دهند که سران ج. ا. برای جلب پشتیبانی کامل امپریالیسم آمریکا چگونه و تا چه آماده‌اند که منافع ملی مردم را به عهده بگذارند و در کنار دست نشاندگان امپریالیسم به کارگزاران ضد انقلابی‌ترین نقشه‌های ارتد امپریالیستی تبدیل شوند.

برای بی‌گیری این سیاست خائنانه است حاکمیت ج. ا. درباره تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا به حق حاکمیت ملی مردم ما سکوت می‌کند. برجسته‌ترین مقامات ج. ا. در سبب اخیر خویش کمترین اشاره‌ای به اشغال نظامی خلیج فارس از سوی ایالات متحده ندارند.

برابر این مهمترین تحولات منطقه در سال اخیر به اعتراض حقوقی ملایم وزارت خارجه ج. ا. در یک اطلاعیه کوتاه سه هفته پیش "ماجراجویی" ایالات متحده بسنده می‌کند.

همسویی امپریالیسم خبری و

رسانه‌های گروهی جمهوری اسلا

در پیامد این واکنش آشکارا تسلیم طلبان که در عمل به معنای به رسمیت شناختن "منا" و منطقه تحت حاکمیت امپریالیسم آمریکا خلیج فارس است، هفتگی گذشته کشور امپریالیستی که خود سلاح شیمیایی را به استفاده در اختیار عراق گذارده‌اند به طور صدا کار برد این سلاح‌ها از سوی رژیم ج. ا. محکوم کردند. وزارت خارجه آمریکا تا آنجا در این واکنش حرارت به خرج داد که سخنگوی رژیم عراق ایالات متحده را "دورویی" متهم کرد. امپریالیسم خبری آشکارا تبلیغاتچی‌های جمهوری اسلامی در توجیه جنگ افروزان هم صدا شده است.

این رویدادها را نمی‌توان جز به معنای قدردانی امپریالیسم جهانی از جمهوری اسلا به خاطر "تفاهم" در قبال تکبیت حضور نظامی امپریالیسم آمریکا در خلیج فارس ارزی کرد. سران جمهوری اسلامی نیز که در روز نخست، امپریالیسم جهانی و بیش از امپریالیسم انگلستان و آمریکا را در واگذاری سلاح‌های شیمیایی به عراق مسئول می‌دانست اینک با مشاهده واکنش "مثبت" کشور امپریالیستی تلاش دارند که پای اتحاد شوروی دیگر کشورهای سوسیالیستی را که قاطعاً با هرگونه تولید و استفاده از این سلاح مخالفتند، در این ماجرا به میان بکشند. بدینسان آنان آشکارا تلاش می‌کنند که کار جنایتکارانه سلاح‌های شیمیایی از سوی ج. ا. را، به کارزاری تبلیغاتی برای بهبود مناسبات با امپریالیسم جهانی و پرده پوشی تجاوز نظامی آمریکا به حق حاکمیت ملی مردم ما تبدیل کنند.

نیاز دم افزون به روی آوردن به ترغیب‌های رسوا، بیانگر در ماندگی هر چه بی حاکمیت جمهوری اسلامی است.

به این جنگ خانمان سوز پایان دهید!

«اعتصاب غذای ۶۴ میهن دوست ایرانی در لندن»

شرکت کننده در اعتصاب غذا مصاحبه ای به عمل آورد. رادیو مئرو در نیوکاسل و رادیو پیرمینگهام، با یکی از نمایندگان "کمیته دفاع از حقوق مردم ایران" گفتگویی ترتیب داد. همچنین روزنامه های مورینگ استار، ایونینگ کرونیکل (نیوکاسل) و اکوی نیوکاسل به درج مقالات و اخبار این اعتصاب غذا اقدام نمودند.

«کنفرانس مطبوعاتی»

اعتصاب کنندگان در پنجمین روز اعتصاب خود در کنفرانس مطبوعاتی، در محل شورای شهر لندن شرکت کردند. در این کنفرانس مطبوعاتی نمایندگان خبرگزاری ها و مطبوعات از جمله: سرویس خبری کیودو-ژاپن، میدل ایست تایمز، میدل ایست نیوز، روزنامه مورینگ استار، روزنامه گاردین و الاتحاد - ارگان حزب کمونیست اسرائیل حضور داشتند. کنفرانس مطبوعاتی با سخنان کمیته دفاع از حقوق مردم ایران افتتاح شد که طی آن، به ضرورت ایجاد جنبش وسیع همبستگی در بریتانیا، علیه پایمال شدن حقوق بشردمکراسی در ایران تاکید شد. سپس یکی از اصحاب کنندگان تحلیل موجزی از اوضاع ایران ارائه داد. وی همچنین گفت:

" رژیم ایران برای سرپوش گذاشتن بر ناکامی در حمله ماجراجویانه اخیر - والفجرها - دست به اعدام ۱۰ تن از اعضای حزب توده ایران، منجمله ۲ نظامی عالی رتبه، (ناخدا بهرام افضلی فرمانده نیروی دریایی، سرهنگ بیژن کیبیری فرمانده نیروهای مسلح در خوزستان و سرهنگ هوشنگ عطاریان فرمانده نیروهای مسلح در غرب کشور) زد تا موج مخالفت با ادامه جنگ میان نیروهای مسلح و مردم را سرکوب کند."

یکی از فعالین حزب توده ایران در اصلهان از چگونگی مورد بیگرد قرار گرفتن خود و سپس جلای وطن صحبت کرد. وی گفت:

" هنگامی که رژیم از یافتن من ناامید شد، برادر ۱۵ ساله ام را گروگان گرفت. جلادان رژیم، ۲ ماه او را شکنجه کردند تا مخفیگاه مرا به آنها بگویند. اکنون اوضاع جسمی و روحی برادرم، بسیار وخیم است."

وی همچنین از اسدالله ریاحی یکی از فعالین حزب توده ایران در شهر کرد یاد کرد که ماموران سفاک رژیم، وی را زیر شکنجه کشتند. و جسد او را با آواراه شکسته، پاهای شکسته و بدن سوخته به خانواده اش تحویل دادند.

به اعتصاب کنندگان پیام فرستاده اند به قرار زیر است:

- ۱- هیئت اجراییه حزب کمونیست بریتانیای کبیر
- ۲- بخش بین المللی حزب کمونیست بریتانیای کبیر
- ۳- حزب کمونیست جمهوری فدرال آلمان
- ۴- کمیته سیاسی تعاونی ها در بریتانیا
- ۵- کنگره اتحادیه های کارگری اسکاتلند
- ۶- مجمع شورای اتحادیه های کارگری لندن
- ۷- اتحادیه سراسری کارگران چاپ بریتانیا
- ۸- اتحادیه کارگران چوب - درودگری سراسری بریتانیا
- ۹- اتحادیه کارگران دخانیات سراسری بریتانیا
- ۱۰- کنگره اتحادیه کارگری ناحیه غرب میانه بریتانیا



- ۱۱- مجمع ملی زنان در بریتانیا
 - ۱۲- اتحادیه زنان عراقی شعبه بریتانیا
 - ۱۳- جامعه زنان قبرس
 - ۱۴- مرکز صلح پیرمنگام
 - ۱۵- جنبش صلح اتحادیه های کارگری بریتانیا
 - ۱۶- آقای باب کلی، نماینده مجلس عوام
 - ۱۷- آقای هری کوال، نماینده مجلس اروپا
 - ۱۸- بانو آن کلاید، نماینده مجلس اروپا
 - ۱۹- آقای وین کریفیت، نماینده مجلس اروپا
 - ۲۰- کنگره ملی آفریقا A.O.C
 - ۲۱- انجمن دانشجویان عراقی
 - ۲۲- سازمان جوانان حزب کمونیست یونان
 - ۲۳- آقای ران دیویس، نماینده مجلس عوام
 - ۲۴- شعب سازمان عفو بین المللی "امنستی"
- در شهرهای بریچ اند، باث و بریستول
خبر این اعصاب غذا و همچنین جنایات رژیم جمهوری اسلامی در حق نیروهای انقلابی در رسانه های گروهی انگلستان، منعکس شد. از جمله رادیوی BBC با یک پناهنده سیاسی

به از صفحه ۱ " کمیته دفاع از حقوق مردم ان " اعتصاب غذای ۵ روزه ای در شهر لندن نیب داد. در این اعتصاب غذا، ۶۴ تن از میهن ستان ایرانی، از سراسر بریتانیا، منجمله اداران حزب توده ایران، سازمان فدائیان ایران و چندین تن از پناهندگان سیاسی کت نمودند.

اعتصاب غذا با تظاهرات ایستاده در مقابل اوت جمهوری اسلامی ایران در لندن شروع. در طول این اعتصاب، اعتصاب کنندگان و یندگان سازمانهای مترقی از جمله حزب نیست بریتانیا، حزب کمونیست عراق، ب کمونیست اسرائیل و شخصیت های مترقی ک با حمل پلاکارتها و دادن شعار، جنایات کمیت ارتجاعی ایران را در رابطه با اعدام کانه ده تن از افسران و اعضای حزب توده ان و سیاست شوونیستی جنگ افروزانه مداران جمهوری اسلامی را افشا و محکوم دند.

از جمله دیگر اقدامات اعتصابیون در طی ۵ روزه شرکت در گردهمایی اتحادیه سری دانشجویان، حضور در اماکن عمومی، ن اعلامیه های افشاگرانه و ملاقات با بوعات و رسانه های گروهی به منظور افشا نت و جنایات های رژیم جمهوری اسلامی و یقات علیه میهن دوستان ایرانی بود.

ین حرکت انقلابی با پشتیبانی گسترده و همه په احزاب و سازمانهای سیاسی و صنفی و قی روبرو شد. رهبران جنبش کارگری و بدنگان احزاب و سازمانهای حمایت کننده حضور در محل برگزاری این اعتصاب غذا بیانی مجدد خود را از این حرکت و رزات مردم ایران ابراز داشتند.

در پیام همبستگی بخش بین المللی حزب نیست آفریقای جنوبی ضمن حمایت کامل از اب کنندگان از جمله آمده است:

"نیروهای امپریالیستی و ارتجاعی، جهان اد بیشتری از بهترین زنان و مردان ایران، لهه اعضای حزب توده ایران را که نقش دیل قهرمانانه ای در مبارزات مهربالیستی مردم ایران داشته اند، تهدید رگ می کند."

خواست اعتصاب کنندگان پایان دادن به اشت های غیرقانونی، شکنجه و اعدام میهن تان و مبارزان ایرانی، پایان دادن هرچه نر به جنگ خانمانسوز ایران و عراق، قطع ال اسلحه به ایران بود.

سامی برخی از سازمانها و شخصیت هائی که

اگسترش موج همبستگی بین المللی جان زندانیان سیاسی مترقی و ضد امپریالیست ایران را نجات دهیم

بزرگاری مراسم ۸ مارس (روز جهانی زن) در شیکاگو

آمریکا

روز ۸ مارس ۱۹۴۲ مراسم همبستگی با زندان سیاسی مرفقی ایران، از طرف حزب کمونیست شهر لوس آنجلس - کمیته همبستگی با ایران (جنوب کالیفرنیا) و ائتلاف برای صلح خاورمیانه در این شهر برگزار شد.

این مراسم برای اعتراض به اعمال غیرانسانی و فشار دولت جمهوری اسلامی ایران و نیروهای مرفقی در کشور و به ویژه توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران، خواست فرستادن یک هیئت بین‌المللی از حقوق‌دانان و پزشکان متخصص به ایران شد.

شرکت کنندگان در جلسه، اعدام امین میهن دوست و دمکرات و عده‌ای از اعضای توده ایران را شدیداً محکوم کردند.

مارک آلن عضو کمیته مرکزی کمونیست ایالات متحده آمریکا، مورد انتقاد ایران که توسط دولت جمهوری اسلامی ایران کج راه کشیده می‌شود و در سرایش شکست دارد و نقش سرمایه‌داران ایران عوامل امپریالیسم در رابطه با تأیید جمهوری اسلامی به سازش با کشورهای امپریالیست فشار و سرکوب نیروهای مرفقی، به ویژه توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران، گفت.

گروه‌های مرفقی و دمکراتیک که در برنامه شرکت‌ها و آن پشتیبانی کردند عیان بودند از: شورای صلح ایالات متحده آمریکا، لوس آنجلس - هواداران جبهه دمکراتیک و آزادی فلسطین - جنبش وسیع برای همبستگی مردم السالوادور - انجمن دانشجویان عراقی ایالات متحده آمریکا و کانادا - اتحاد جوانان دمکرات عربستان سعودی در آمریکا، سازمان جوانان حزب کمونیست آمریکا (لوس آنجلس) - هواداران حزب توده ایران ایالات متحده آمریکا (جنوب کالیفرنیا) - هواداران سازمان فدائیان خلق ایران در آن کشور، سازمان جمهوری آمریکا.

تصحیح و پوزش

متأسفانه در تنظیم مطالب دفاعی اشتباهی داده است که تصحیح آن ضروری است.

از جمله در مطالب دفاعی "راه توژه" شماره ۸، در رابطه با ترتیب دادن همبستگی یا حزب توده ایران در شهر بند هندوستان چنین آمده بود که این غرقه از هواداران حزب در این شهر ترتیب یافته است. درست این است که این غرقه به کوشش و سازمان فدائیان خلق ایران این شهر ترتیب یافته بود و تمام فعالیت‌های حول آن نیز سوی رفقای فدائی این شهر سازمان داده شده بود.

با پوزش از خوانندگان "راه توده"، می‌کنیم با دقت بیشتر از این گونه اشتباه جلوگیری کنیم.

روز ۱۰ مارس به مناسبت بزرگداشت روز جهانی زن و

همچنین به منظور بزرگداشت خاطره خانم لولیت آلت، عضو کمیته مرکزی حزب سوسیالیست پورتوریکو و رزمنده انقلابی در امسائل زنان که روز ۲۴ فوریه سال جاری درگذشت، مراسمی از سوی سازمانهای مرفقی و پیشرو زنان در شهر شیکاگو ایالات متحده آمریکا برگزار شد. سازمانهای شرکت کننده در این مراسم عبارت بودند از: جبهه آزادی بخش فارابوندو مارتی، سازمان زنان السالوادور، کمیسیون زنان حزب سوسیالیست پورتوریکو، خانه شیلی، خانه نیکاراکو، چندین سازمان دیگر و همچنین سازمان هواداران تشکیلات دمکراتیک زنان ایران در بخش میانه آمریکا.

در این مراسم در کنار تجلیل از مبارزات خانم آلت، پیام‌های شادبانی از سوی سازمانهای شرکت کننده از جمله پیام تشکیلات دمکراتیک زنان ایران به مناسبت روز جهانی زن، توسط یکی از هواداران این تشکیلات خوانده شد. مدعوین در حین بازدید از میز نشريات و غرفه هواداران تشکیلات دمکراتیک زنان ایران و دریافت نشريات تشکیلات با امضای کارت‌های دفاعی و طومارهای اعتراضی،



همبستگی خود را با زنان ایران، زندانیان سیاسی و در بند و سایر میهن‌دوستان ایرانی ابراز داشتند.

اعتراض به پیگرد زنان دمکرات ایرانی

جلسه‌ای که ۱۷ فوریه (۲۸ بهمن) از طرف تشکیلات دمکراتیک زنان ایران در اتریش، در وین برگزار شد و در آن نیروهای مرفقی خارجی نیز شرکت داشتند، با عنوان همبستگی با دمکراتهای در بند ایران و به ویژه زنان ایران با امضای طومارهای اعتراضی، اعمال ددمنشانه رژیم جمهوری اسلامی را در قبال نیروهای دمکرات ایران محکوم کردند. نمایندگان سازمان زنان اتریش نیز بدین مناسبت پیامی قرائت کردند.

در تاریخ ۱۴ فوریه (۲۵ بهمن)، جلسه‌ای به عنوان همبستگی با اعضای تشکیلات دمکراتیک زنان ایران و سایر زندانیان دمکرات، از طرف سازمان دمکراتیک زنان اتریش در وین برگزار شد و پس از جریان قرار دادن حاضرین نسبت به رویدادهای اخیر ایران و به ویژه تفتیشات و فشار بر زنان زندانی، این جلسه تصویب کرد، اعتراض نامه‌ای جهت محکوم کردن این اعمال تهیه و به سفارت جمهوری اسلامی ایران در اتریش ارسال کرد.

اعتصاب غذا در آلمان فدرال

نمایندگان احزاب و سازمانهای سیاسی آلمان فدرال از جمله حزب سبزهای آلمان فدرال، حزب سوسیال دمکرات آلمان فدرال، حزب کمونیست آلمان فدرال و سازمانهای دیگر با فرستادن نمایندگان خود به محل اعتصاب غذا و با صدور اطلاعیه‌هایی از این حرکت اعتصابی حمایت به عمل آوردند.

مشروح گزارش این اعتصاب غذا در شماره آینده "راه توده" چاپ خواهد شد.

"کمیته همبستگی با ایران" در آلمان فدرال اعتصاب غذای ۵ روزه‌ای در شهرهای بن و کلن ترتیب داد. در این اعتصاب غذا که در اعتراض به جنایات حاکمیت ارتجاعی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی مرفقی و ضد امپریالیست ایران و محکوم کردن سیاست شوونیستی و جنگ طلبانه رژیم ایران، برگزار شده بود، تعداد زیادی از ایرانیان مرفقی و دمکرات در سراسر آلمان فدرال شرکت کردند.

ستم و اختناق مرز نمی شناسد!

می سوختم از شعارها و تحلیل های حزب توده ایران خوش آمد و به همین علت جذب حزب شدم...

در جمهوری اسلامی، دفاع از محرومان، گذراندن ماه ها در جبهه های جنگ، زخم برداشتن در آوردگاه های مرگ و خون، افشای ضدانقلاب، مبارزه با پلیس محمدرضا شاهی، تشکیل گروه های کارگری برای مبارزه در راه سرنگونی شاه، داشتن اسم مستعار، پرداخت حق عضویت، اجرای قرارهای تشکیلاتی، ارائه کمک مالی و... جرم محسوب می شود؛ جرمی نابخشودنی و مستحق مجازات مرگ و پوسیدن در دخمه های سیاه رژیم.

آقای نخست وزیر در مصاحبه ای با کیهان - ۱۹ اردیبهشت - جرائم سنگین حزب توده ایران را چنین بازگو می کند:

"حزب توده با ظاهر فریبنده ای که در کشور به خود می گرفت، به هر برنامه ای که به نفع مستضعفین بود، ضربه می زد... در نتیجه این برنامه ها و حرکت ها به صورت چپ زده و یا بوی مارکسیستی تبلیغ می شد و به این وسیله برنامه های بنیادین می توانست تخطئه شود... و به این ترتیب چهره مقصر اصلی را از نظر

نخست وزیر رو برتافته از خلق چنین ترسیم می کند: برنامه اصولی و انقلابی حزب توده ایران که با شناخت علمی و دقیق از جامعه و جهان و خواست ها و نیازهای مردم تنظیم شده و تمامی توده ای ها برای تحقق بخشیدن بدان، با همه توان و ایمان خود پا به میدان گذاشتند. میدانی که به انقلاب و به برپا کنندگان آن تعلق داشت و جایی برای دشمنان مردم و خائنان به آرمانهای انقلاب باقی نمی گذاشت. خصومت دیرین و پنهان راستگرایان و قشریون با حزب توده ایران و برنامه ها و بقیه در صفحه ۶

محاکمات فرمایشی هواداران و اعضای حزب توده ایران که بر اساس "دستور العمل های ارسال" مقامات مرکز انجام می گیرد، در شهرهای مختلف همچنان در جریان است. این محاکمات ساختگی و برق آسا که در یک یا دو جلسه، سرنوشت زندگی و آزادی انسان های بی گناهی را رقم می زند که با تمام قلب و اندیشه خود برای زندگی بهتر، شرافتمندانه و آزادانه مردم محروم سرزمین خود رزمیده اند، در پی کشتار خونین انتقام جویانه ۱۰ تن از افسران و اعضای حزب توده ایران، آغاز شد. به رغم اعتراضات گسترده مردم و محافل مترقی ایران و جهان (که گزارش دبیر کل سازمان ملل متحد به کمیسیون حقوق بشر نیز نمونه بارز آنست) شکستن معیارهای انسانی و اخلاقی، زیر پا گذاشتن موازین حقوقی و بین المللی، نقض قانون اساسی و نیز قوانینی که به امضای بالاترین مراجع قضائی و قانونگذاری جمهوری اسلامی مهر شده و بیگانگی با تمامی ضوابط مورد پذیرش بشریت متقدم، ویژه گی های بارز این "دادگاه" هاست.

حاکمان جمهوری اسلامی مرز "جاسوس" و "برانداز" را تا آن سوی کسانی که خواه عضو یا هوادار، توسعه داده اند که آشکارا اعلام می کنند، تنها به خاطر "بازگویی ظلم خوانین و مالکین و فئودال ها در روستاها" به حزب توده ایران پیوسته اند.

درج ۱۰ اعتقاد به دو جبهه جهانی انقلاب و ضدانقلاب جرم است: "در جهان دو نیرو، یکی انقلاب و دیگری نیروی ضدانقلاب است. فکرمی کردم انقلاب ایران زمانی می تواند جان بگیرد که متصل بشود به جبهه انقلاب ها..."

در جمهوری اسلامی، عشق به آرمانهای عدالت جویانه جرم است: "... من که در عشق عدالت اجتماعی

پیام سازمانهای حزب توده ایران در خارج از کشور به مبارزان اعتصابی!

دست خونین حاکمیت رو برتافته از خلق را کوتاه سازیم!

جنایت مفده جویانه اعدام افسران توده ای و دیگر اعضای حزب توده ایران به دست ارتجاع جمهوری اسلامی ایران نقطه اوجی است در راه خیانت به منافع زحمتکشان میهن ما و به اهداف انقلاب شکوهمند بهمین ۵۷.

جنایتکارانی که روزانه هزاران جوان بی گناه ایرانی را طعمه شعله های جنگ توسعه طلبانه و کشور گشایانه خود می کنند و با ادامه جنگ توسعه طلبانه راه ورود ارتش امپریالیسم آمریکا را به خلیج فارس باز کرده اند، و راه احیای وابستگی های اقتصادی و نظامی و ادامه همسویی با امپریالیسم جهانی را برگزیده اند، چاره ای به جز یورش خونین به نیروهای مردمی و ضد امپریالیست و پیشاپیش آنها حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران و بهترین فرزنداناش که از میهن انقلابی و دستاوردهای انقلاب تپای چوبه تیرباران نیز دفاع می کنند، ندارند.

رفقا و دوستان اعتصابی!

شما با اعتصاب غذای خود، نشست ها و میتینگ های پر شور خود ضربه های جانانه ای از طریق افشای سیمای کربه خفقان و سرکوب در ایران، به دستگاه ضد انسانی، بی فرهنگ و کوتاه بین حاکمیت جمهوری اسلامی ایران وارد می سازید.

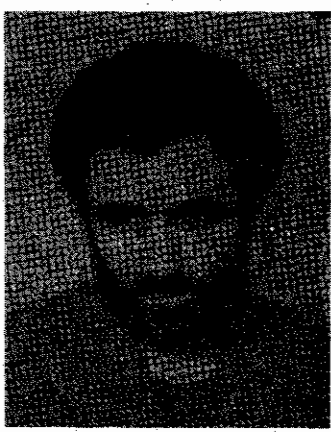
محکوم کردن حاکمیت جمهوری اسلامی ایران توسط سازمان ملل متحد، به عنوان حاکمیت سرکوبگر و قانون شکنی، که این روزها در گزارش مفصلی توسط دبیر کل سازمان ملل متحد ارائه شده است و در آن به پایمال شدن حقوق بشر و اعدام رفقای توده ای ما اعتراض شده است، نشانه ثمر بخشی و موفقیت کوشش های فداکارانه و وظیفه شناسانه شما هواداران استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی در میهن ما است.

به نام سازمانهای حزب توده ایران در خارج از کشور با درود پر شور به شما دستتان را می فشاریم و برای نبرد افشاگرانه شما علیه اختناق رژیم راستگرای جمهوری اسلامی آرزوی موفقیت بسیار داریم.

- زنده باد همبستگی و اتحاد نیروهای میهن دوست و مترقی در جبهه متحد خلق!
- زنده باد همبستگی بین المللی!
- دست خونین جلاد کوتاه باد!
- ننگ و نفرت به حاکمیت خائن به منافع خلق!

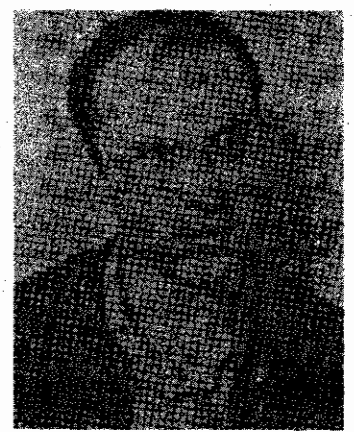
سازمانهای حزب توده ایران در خارج از کشور
۱۳۶۱ اسفند ۱۳۶۱

رفیق خسرو لطفی



رفیق شهید خسرو لطفی به "جرم" فعالیت علیه رژیم شاه در تشکیلات نوید، اعدام شد

رفیق شاهرخ جهانگیری



رفیق شهید شاهرخ جهانگیری به "جرم" فراگرفتن مبارزه با پلیس رژیم شاه اعدام شد

رادیومسکو: اتحاد شوروی استعمال هر نوع سلاح شیمیایی را محکوم می کند

خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران با استناد به مضامینی که در روزنامه "گوش" چاپ ترکیه انتشار یافته، خبری منتشر کرده مبنی بر اینکه گویا کارشناسان نظامی شوروی به عراقی‌ها نحوه استفاده از سلاح‌های شیمیایی علیه ایران را می‌آموزند.

مفسر رادیو مسکو در رابطه با این خبر می‌نویسد:

"تصور دروغی بی‌پایه‌تر از این اباطیل و ساخته‌های فکری، واقعا کاری است مشکل همه می‌دانند که اتحاد شوروی از نخستین روزهای بروز درگیری و جنگ میان ایران و عراق برآن بوده و هست که مسائل مورد اختلاف دو کشور همسایه، باید تنها از طریق مسالمت حل شود و این یگانه رابعقلان رفیع اختلاف و درگیری است. این مطلب با سرحاحتم تمام در بیست و ششمین کنفرانس حزب کمونیست اتحاد شوروی اعلام شد. ما جنگ میان ایران و عراق را بی‌معنا و بنا بر این فاجعه آمیز می‌دانیم.

اتحاد شوروی این نقطه نظر خود را به کرات اعلام کرده است. دروغ‌هایی که درباره اتحاد شوروی در مسئله تولید و استفاده از سلاح شیمیایی پرداخته شده و از سوی خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران هم تکرار می‌شود، ارزش انتقاد ندارد".

مفسر رادیو مسکو سپس می‌نویسد: "اتحاد شوروی موافقتنامه‌های معروف ژنو را که در آنها استعمال هر نوع سلاح شیمیایی ممنوع اعلام شده است، اکیدا رعایت می‌کند. کشور ما کسانی را که برخلاف موافقتنامه‌های ژنو عمل می‌کنند، به شدت محکوم کرده و می‌طلبید آنها به کیفر اعمال خود برسند. چنانکه می‌دانید اتحاد شوروی، هنگامی که امپریالیستهای آمریکا در ویتنام جنگ پلیدی را به راه انداختند، جنایت آنان را به ویژه در موارد استفاده از مواد شیمیایی بی‌پروا فاش و برملا کرد. اکنون کشور ما، ریاکاری امپریالیستهای آمریکا را که علیه مردم افغانستان سلاح شیمیایی به کار می‌برد، جرمی

که ثابت شده - افشا می‌کند: این حقایق طی یک کنفرانس مطبوعاتی در کابل به اطلاع عموم رسید.

این اواخر، کنستانتین چرننکو، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، در نطق پیش از انتخاباتی خود، برخورد سازنده اتحاد شوروی نسبت به مسئله منع استعمال سلاح شیمیایی را قاطعانه مورد تأیید قرار داد. وی گفت:

"نجات بشریت با نفی کاربرد سلاح شیمیایی، وظیفه‌ای است بسیار مهم. سخن از منع کامل و همگانی استفاده از سلاح شیمیایی و تهیه و تولید این گونه سلاح و محو تمام ذخایر آن در میان است. ما طرفدار آنیم که نحوه اجرای موافقتنامه‌های مربوطه جداکنترل شود و تمام روند از بین بردن سلاح شیمیایی از آغاز تا پایان تحت نظارت قرار گیرد".

مفسر رادیو مسکو در پایان می‌نویسد: "چنین است نقطه نظر اتحاد شوروی درباره این مسئله. به این ترتیب آشکار می‌شود که دروغ‌پردازی‌های افترا آمیز ضد شوروی روزنامه ترکیه، "گوش" که خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران نیز آن را تکرار کرده است، چه ارزشی دارد".

تربییون نماز جمعه اعلام می‌کند، "اختلاف" عمیق و ریشه‌داری در تمامی ابعاد جامعه وجود دارد. "این در مسائل اقتصادی است" (کیهان، ۲۰ اسفند).

"مسئله" که حزب توده ایران، از ابتدا مطرح ساخته بود و در برنامه و پیشنهادات خود، راه حل آنها را به سود مردم ارائه کرده بود.

آقای رفسنجانی، دامنه فراگیر این "اختلاف" را چنین ترسیم می‌کند: "... این اختلاف توی مراجع هست - توی شورای نگهبان... توی مجلس... توی کارخانه، نهادها و مردم هست... این اختلاف را نمی‌شود ریشه کن کرد... تا قیام قیامت این اختلافات وجود دارد".

اعتراف به واقعیتی که به منظور نادیده انگاشتن آن، سردمداران جمهوری اسلامی توطئه خونین "ریشه کردن" حزب توده ایران را به مرحله اجرا درآوردند و اکنون نیز اعضا و هوادارانش را به همین "جرم" محاکمه می‌کنند، به هر انگیزی و هدف که باشد، ترجمان مستقیم این حقیقت غیرقابل چشم پوشی است که حزب توده ایران، "ریشه کن کردنی" نیست، حضور حزب توده ایران در قلب، سخن و نظر، کار و بیکار، "کارگران"، "مردم"،

"تحصیل کرده‌ها" و ... از آن پیوند ژرف و ناگسستنی‌ای حکایت دارد که این تیرباران‌های جنایت آمیز، زندانهای طویل‌المدت و به محاکمه کشیدن اعضا ساده و هواداران حزب و تلاش برای دور نگاهداشتن مردم از حزب توده ایران، تنها به استحکام هر چه بیشتر آن می‌انجامد.

ستم و اختناق مرز نمی شناسد!

بقیه از صفحه ۵

پیشنهادهای سازنده آن هنگامی جلوه آشکار به خود گرفت که دشمنان انقلاب، زمینه یورش به دستاوردهای انقلاب را تدارک دیدند و راه خیانت به منافع مردم را در پیش گرفتند؛ سرسخت ترین حریف آنان، حزب توده ایران بود. محسن رضائی فرمانده سپاه پاسداران می‌گوید:

" ایجاد تظاهرات و تحصن‌ها و ایجاد جو سازی‌ها و دامن زدن به مسائل سیاسی که در داخل کشور ما بوده، همه از فعالیت های حزب توده در جهت تضعیف جمهوری اسلامی ناشی می‌شد" (اطلاعات، ۲۲ اردیبهشت).

رئیس مجلس در نماز جمعه اعلام کرد: " تا وقتی که خطری جدی نبودند، با آنها مدارا شد و روزی که معلوم شد که برنامه‌ای تدوین کرده‌اند که برای ما و سرنوشت جنگ از هر جهت ضرر دارد، دیگر نمی‌توانستند بمانند" (آزادگان، ۲۴ اردیبهشت) موسوی تبریزی، دادستان (سابق) کل انقلاب، چراغ حزب توده ایران را اینگونه برمی‌شمرد: " اینها در پوشش تشکیل حزب و فعالیت

سیاسی که جمهوری اسلامی به اینها داده بود، جاسوسی و توطئه می‌کردند. توطئه شان گاهی در کارخانجات مشهود بود. گاهی توطئه شان در تحریک مردم علیه مسئولین مشهود بود و گاهی برای بی‌اعتبار کردن مسئولین" (اطلاعات، ۲۰ بهمن ۶۱).

سردمداران جمهوری اسلامی، حزب توده ایران را به اتهام "دامن زدن به مسائل سیاسی"

" تحریک مردم علیه مسئولین"، "بی‌اعتبار کردن مسئولین"، ایجاد اختلاف بین سیاست گزاران جمهوری اسلامی که "در وحدت بی‌نظیری هستند" "مجرم" شناخت، اعضا و هواداران آن را دستگیر کرده، در شکنجه گاه‌ها به صلابه کشید، ۱۰ تن از افسران و اعضا آن را به جوخه‌های اعدام سپرد و اکنون حتی هواداران حزب را به زندان‌های طویل‌المدت محکوم می‌کند، به این امید که "برنامه‌ای... که برای ما و سرنوشت جنگ از هر جهت ضرر دارد" برای همیشه "ریشه کن کند".

اعتراف به اختلاف حل نشدنی توسط سران رژیم

ولی هنوز یک سال از این توطئه خونین گذشته است که "امام جمعه موقت تهران" از



استغفار!!

کارگری

عیدی دولت به سرمایه داران



پرداخت نمایند."

حاکمیت جمهوری اسلامی ظاهرا با گنجانیدن این ماده می‌کوشد وانمود کند در ازای "لیاقت و شایستگی" کارگران به آنان اضافه دستمزد تعلق خواهد گرفت. بدون شک این تنها بخش کوچکی از حقوق کارگران است که سالهاست به جیب سرمایه داران سرازیر می‌شود. اما نکته مهم اینست که حاکمیت جمهوری اسلامی با اتخاذ این روش برای پرداخت بخشی از حق مسلم کارگران، آن هم فقط به بخشی از کارگران، همان شیوه کثیف تفرقه افکنی بین کارگران را که در رژیم شاه معمول بود، اجرا می‌کند. مسلما کارگران به ماهیت این توطئه پی برده و آن را خنثی خواهند کرد.

استثمار بی حد و مرز

در بند ۵ این بخشنامه، "دانش آموزان و دانشجویان" از این بخشنامه مستثنی شده اند و "مزد ایام کار آن‌ها با توافق طرفین تعیین و پرداخت خواهد شد". به جرئت می‌توان گفت که در این جا نیز تفکر توکلی مبنی بر "راضی طرفین" حاکم است و سرمایه داران و کارفرمایان را فرا می‌خواند تا سرمایه‌های سرگردان خود را برای استثمار این نیروی کار ارزان به کار اندازند. واقعیت آنست که این بند به کارفرمایان اجازه خواهد داد تا به بهانه استخدام دانشجو و دانش آموز، حتی پندهای اول این بخشنامه را نیز رعایت نکنند و نوجوانان و جوانان کارگر را به استثمار بی‌حد و مرز بکشانند.

بدین ترتیب در آستانه سال نو، حاکمیت با دادن این عیدی به سرمایه داران، سالی پر از فقر و محرومیت بیشتر به کارگران عرضه می‌کند.

مسلما کارگران زیر بار این بخشنامه "شاهشاهی" نخواهند رفت و مبارزه خود را برای دستیابی به حقوق حقه خویش گسترش خواهند داد.

آقای موسوی اردبیلی در نماز جمعه دیماه ۱۳۶۱ اعتراف کرد که پاکتر از شش، هفت هزار تومان در ماه نمی‌توان زندگی کرد. این صحبت یک سال پیش است. اما حاکمیت جمهوری اسلامی امروز نیز اکثریت کارگران را مجبور می‌کند با مزدی بسیار کمتر از این میزان زندگی کنند.

روی دیگر سکه چیست؟

در حالی که سرمداران جمهوری اسلامی از همه سو کارگران را به صبر و مدارا و تحمل بار جنگ و ... فرا می‌خوانند، جیب سرمایه داران روزبه روز پرتر می‌شود. در طول همین سالهایی که وضع زندگی کارگران روز به روز بدتر شده است، رشد نقدینگی سرمایه داران هر دم افزایش یافته است. به طوری که اکنون همه مسئولین جمهوری اسلامی به وجود ۷۰۰۰ میلیارد ریال پول نقد در جیب بخش خصوصی اعتراف دارند.

این ۷۰۰۰ میلیارد ریال از کجا آمده است؟ غیر از این است که سهم همان ۵ میلیون کارگری است که می‌بایست مزدشان اکنون بیش از ۲ برابر ۵ سال پیش می‌شد ولی به جای آن به جیب سرمایه داران رفته است؟

این واقعیت را امروزه همه کارگران به خوبی درک می‌کنند. حاکمیت از کارگران صبر می‌خواهد تا بتواند جیب سرمایه داران را پرتر کند.

کاهش بیشتر قدرت خرید کارگران

در بند ۲ بخشنامه آمده است که "در سال ۱۳۶۲، روزانه مبلغ ۶۰ ریال به عنوان پایه (سنوات) ... به کارگران تعلق می‌گیرد که بایستی بر مزد آنان اضافه و پرداخت گردد". در این شورای عالی کار با یک شعبده بازی بازم حق کارگران را بیش از پیش پایمال کرده است. در سال‌های قبل، روال بر این بود که مزد کارگران بین ۴۰ تا ۱۰۰ ریال افزایش یابد. متوسط این افزایش در کارگاه‌های مختلف بیش از ۶۰ ریال بود. اکنون با این ترفند، در حقیقت شورای عالی مزد کارگران را نسبت به آنچه که روال سال قبل ایجاب می‌کرد، نیز کاهش داده است.

تفرقه افکنی بین کارگران

در بند ۲ بخشنامه آمده است:

"کارفرمایان می‌توانند در صورت تشخیص، تا حداکثر به ۲۰ درصد از کل کارگران یک پایه (مبلغ ۶۰ ریال) تحت عنوان ترفیع پایه لیاقت و شایستگی به مزد روزانه هر یک از آنان اضافه

بخشنامه وزارت کار و امور اجتماعی در مورد نحوه پرداخت اضافه دستمزد کارگران در سال آینده، منتشر شد. کارگران از مدت‌ها قبل خواست خود را مبنی بر دریافت اضافه دستمزد بی‌گیرانه مطرح می‌کردند. انتشار این بخشنامه نشان داد دولت به جای در نظر گرفتن خواست و منافع کارگران عیدی بزرگی به سرمایه داران تقدیم کرده است.

این بخشنامه در شش بند و شش تبصره تنظیم شده است و شامل میزان حداقل دستمزد، اضافه دستمزد، پابست سنوات خدمت و اضافه دستمزد در چهار چوب طرح طبقه بندی مشاغل است. مطابق بند ۱، حداقل مزد روزانه کارگران ساده در حد میزان چهار سال پیش (۱۲۵۸) یعنی ۶۲۵ ریال تثبیت شده است. به خوبی روشن است که این حداقل حقوق به هیچ وجه کفاف یک زندگی حداقل کارگران را نیز نمی‌دهد. میزان حداقل دستمزد تعیین شده حتی در سال ۵۸ نیز بسیار کمتر از میزانی بود که بتواند جوابگوی تامین یک زندگی حداقل برای یک خانواده کارگری باشد.

کارشناسان وزارت کار در اوایل سال ۱۳۵۸ اعلام کردند:

"ما حساب کرده ایم که ۷۱۱ ریال حداقل هزینه زندگی کارگر است. اما مبلغ ۵۰۰ ریال را برای تعیین و اعلام حداقل مزد پیشنهاد می‌کنیم" (مردم ۵۸/۲۹).

در حالی که یک محاسبه واقعی در آن زمان، میزان مزد را در حدود روزی ۱۰۰۰ ریال برآورد می‌کرد. با توجه به نرخ تورم در سال ۵۸، مسلما میزان حداقل دستمزد در سال ۱۳۵۸ می‌باید حدود دو برابر رقمی تعیین می‌شد که توسط شورای انقلاب تصویب گردید. به عبارت دیگر مبلغ ۶۲۵ ریال حتی چهار سال پیش نیز جوابگوی تامین یک زندگی حداقل نبود.

در سال ۵۸ بنا بر اعتراف روزنامه اطلاعات ۵۸/۱۱/۷۷:

"میزان افزایش قیمت‌ها نسبت به سال گذشته از ۲۰ تا ۲۰۰ درصد و در برخی موارد بیش از ۲۰۰ درصد بوده است."

ولی شورای عالی کار به رغم وجود این تورم سرسام آور، در سال ۶۰ هم میزان حداقل مزد را افزایش نداد. در سال‌های پس از آن نیز تورم با همان سرعت پر قیمت‌ها می‌افزود. به طوری که بنا به اظهار محجوب، مشاور کارگری نخست وزیر:

"کالاها ۲۰۰ تا ۲۰۰ درصد و حتی در بعضی موارد ۴۰۰ یا ۵۰۰ درصد اضافه قیمت داشته‌اند" (اطلاعات ۶۲/۱۲/۱۱).

کارگران ایران! در تشکلهای واقعی کارگری (سندیکاها و شوراهای) متشکل شوید

سازمان ملل حاکمیت سرکوبگر ج.ا. را محکوم می کند!

در هفته گذشته گزارش دبیر کل سازمان ملل متحد به کمیسیون حقوق بشر این سازمان انتشار یافت. دبیر کل سازمان ملل در گزارش خود که مشتمل بر صفحات متعددی است، جنایات بی شمار حاکمیت جمهوری اسلامی را در رابطه با شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی و نقض حقوق بشر در ایران بر شمرده است.

در این گزارش تشییقات مختلف و فشارهایی که علیه نیروهای مترقی و ضدامپریالیست ایران از جمله حزب توده ایران اعمال می شود، بیان شده است. در مواد ۲۸ و ۲۵ این گزارش آمده است:

" ماده ۲۸ - در رابطه با محاکمه اعضای حزب توده (ایران)، برخی از ناظرین اظهار داشته اند:

" این محاکمات در ایران در مورد اعضای متعدد حزب توده در همان شرایطی انجام می گیرد که در دادگاه های قبلی در مورد مخالفان مختلف و یا افرادی که فقط مظنون هستند، صورت گرفته است یعنی: پشت درهای بسته، بدون حضور وکلا، و ناظرین خارجی و در نتیجه (در شرایط اختلافی مطلق".

" ماده ۲۵ - حزب توده (ایران) در ۴ مه ۱۹۸۲ منحل اعلام شد و تعداد زیادی از پیروانش (اعضا و هواداران) دستگیر، زندانی، شکنجه و اعدام شدند. محاکمات این افراد، در تمام طول سال ۱۹۸۲، غالباً پشت درهای بسته بدون آن که روزنامه نگاران یا ناظرین اجازه حضور داشته باشند، ادامه داشت."

در این گزارش مواردی نیز به نقض حقوق اقلیت ها و جنایات جمهوری اسلامی ایران در کردستان اختصاص داده شده است. از جمله در موارد ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ این گزارش آمده است:

" ماده ۲۶ - در مورد حقوق اقلیت ها، اطلاعات دریافت شده مبنی بر نقض حقوق مردم غیر نظامی کردستان است. دبیرخانه یک لیست از ۷۸ نفر ساکنین ۷ روستای کردستان - قره کل، قلب رضا خان (سارچنار)، سوزی، پیران این، خلیفیان، شاه قال مصطفی و گیشه دریافت کرده است که توسط نیروهای دولتی در ۲۶ ژانویه ۱۹۸۲، ۲۵ و ۲۸ مارس کشته شده اند. افراد فوق در سنین بین ۱۱ تا ۱۱ سال بودند."

" ماده ۲۷ - در گزارشی راجع به کردستان، فدراسیون بین المللی حقوق بشر شرایط

زندانی ها را در هفت زندان مهاباد (کردستان) توصیف می کند و ابراز می دارد که زندانیان در تمام این زندانها شکنجه شده اند."

" ماده ۲۸ - بنا به گفته فدراسیون، ۳۳ نفر در ماه اوت ۱۹۸۲ در زندانهای سقز و ارومیه، در کردستان ایران اعدام شدند. در میان آنها ۱۹ اقل ۱۹ دختر، دیده می شوند که ۱۵ نفرشان قبلاً به سه تا ۱۰ سال زندان محکوم شده بودند."

دبیر کل سازمان ملل متحد در این گزارش، شمار اعدامهای زندانیان سیاسی در ایران را بیش از ۵۰۰۰ نفر برآورد می کند و از قول سازمان عفو بین المللی در رابطه با شکنجه زندانیان سیاسی مترقی و ضدامپریالیست ایران می افزاید:

" تقریباً اکثریت قریب به اتفاق زندانیان سیاسی شکنجه شده اند."

دبیر کل سازمان ملل متحد در گزارش خود خاطر نشان می کند:

" مسئله حقوق بشر و آزادی های اساسی در ایران همچنان موجب نگرانی جدی جامعه بین المللی است."

نوروز پیروز است!

بقیه از صفحه ۱
پرشور هر آن کس را که به خاطر مردم و انقلاب در تکان بود، نشانه رفت.

مردم چنین سال سیاه و پر وحشتی را پشت سر گذاشتند. اما نه بی پیکار! آنان عوادار و زخم خورده، هر جا که حاکمیت زور " قدر قدرتی" خود را به نمایش می گذاشت و پایمال شدن و خیانت به منافع آنان را زیر سایه شوم سر نیزه می پوشاند، با تمام قامت می ایستادند و با اعتراض، تظاهرات، اعتصاب، تحصن و حتی مقاومت مسلحانه حق غیر قابل چشم پوشی خود را طلب می کردند. آنان زجر کشیده و مظلوم به بی آبی، بی برقی، کمبود نان، گرانی، ادامه جنگ بی سرانجام، باز پس دادن زمین به فئودال ها، پایین بودن سطح دستمزد، عزیزانی که از آغوششان ریخته اند و در سیاه چالهای پر شمار جمهوری اسلامی به بند کشیده اند... اعتراض کردند. آنان آگاهانه، شیوه مبارزه خود را در هر شرایطی، مناسب با آن برمیگزیدند و در عمل درجه کار آن روش ها را محکمی زدند.

این شیوه های مقابله در آستانه سال نو در بی تشبثات رژیم برای محو و مسکوت گذاشتن سنت دیرپای مراسم "چهارشنبه سوری" با برگزاری هر چه گسترده تر این آئین، شکل ویژه ای به خود گرفت. در این شب، مردم شهر و روستا در مقیاس بی سابقه ای به کوچه و خیابان آمدند و با برافروختن آتش سرخ که نشانه پاکی، دور کردن شر و تاریکی، پیروزی نیکی، شکستن سرما و زمز رستاخیز زمین است، با همه اندوه و رنجی که در قلب داشتند، به استقبال بهار



مردانی که به خاطر شکستن گل های سرخ در سپیده دمان آزادی، زخمی شدند و سرانجام قلب پر عشق خود را چون گل سرخی تازه شکفته به خلق و آرمان خود هدیه کردند. سلام بر همه مبارزین و در پندانی که ظلمات دخمه های زندان، سبزی شورانگیز بهار را از چشمان دور کرده است. سلام بر همه خانواده های داغ دیده ای که در شور و سرور و سرود، بهار را جشن می گیرند. سلام بر همه مبارزینی که نوروز را در قلب گلدان کلی هم حتی، به مخفیگاه های خود دعوت کرده اند و در سحرگاه این سال نو، با قلبی سرشار از امید و ایمان و توانی کارآمدتر از پیش، مبارزه ای بی امان را بی می گیرید! سلام بر شما.

رفتند.

به ویژه در این شرایط سیاه و دشوار که حداقل جای خالی یک عزیز بر سر سفره "هفت سین" تقریباً هر خانواده ایرانی، قلبشان را به درد می آورد.

در کنار این اشک و خون و یاد، زمزمه دیگری هم در قلب و بر لبان آنان جاری است؛ زمزمه ای که میثاق است؛ با تمام شهدا و به زنجیر کشیده شدگان:

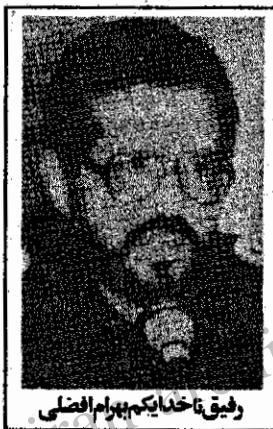
"یادتان تا ابد در قلب ماست و بی گیری راهتان، دینی که بر ما دارید. هیچ نیرویی ما را از ادای این دین باز نخواهد داشت. مطمئن باشید!"

سلام بر بهار، سلام بر نوروز، سلام بر آزاد

خاطراتی از رفیق شهیدنا خدا یکم بهرام افضلی

این مرد به هیچ چیز جز ایران فکر نمی کرد
همیشه افتخار می کردم که ایران چنین گلهایی دارد

در شماره ۲۱ بهمن ۶۲ نشریه ایرانشهر، نامه ای از یکی از خوانندگان این نشریه به چاپ رسیده است، که طی آن یکی از هم میهنان ما، خاطراتی را که از دوران همکاری با شهیدنا خدا یکم بهرام افضلی داشته است، نقل می کند. نوشته این بانوی هموطن ما که، چنانکه از متن نامه بر می آید، با نظرات حزب توده ایران آشنا نیست، اما به پیروی صادقانه از معتقدات میهن دوستانه و آزادیخواهانه خویش، واقعیاتی را که خود شاهد بوده است، واحساسات واقعی مردم ما نسبت به جنایات حاکمیت ج.ا. را شرح داده است، گواه نمونه واری بر میهن دوستی و آزادیخواهی افسران توده ای است که تنها بجزم دفاع از انقلاب خلق به جوخه اعدام سپرده شدند. ننگ و نفرت بر خائفانسی که زندگی پرافتخار بهترین فرزندان خلق ایران را گستند!



رفیق ناخدا یکم بهرام افضلی

روی کشتی کاری کرد وقتی که تهران آمد رییس دایره کارخانجات نیروی دریایی شد. همیشه افتخار می کردم که ایران چنین گل هایی دارد و احساس راحتی می کردم که آدم هایی مثل او سدی هستند جلوی دزدها، لاشخورهایی که به چز جیب خود منافع شخصی و انهدام مملکت چیزی نمی خواهند.

شاید باور نکنید که از ساعت ۷ صبح تا ۸ شب کار می کرد هیچ وقت به آنهایی که با او کار می کردند و درجه پایین تر از او داشتند توهمین نمی کرد و اگر پرونده ای را توی بایگانی می خواست خودش می رفت می آورد واقعا مرد با سواد بود سالها در ایتالیا و ایران تحصیل کرده بود. به جرئت می توانیم بگوئیم از میلیونها پولی که زیر دستش بود کوچک ترین دزدی نکرد و واقعا وقتی او را اسیر دیدیم در دست چند ملای بی سواد از دلم فریاد زدم گفتم خدایا او و جاسوسی، آنهم برای مملکتی که ۲۰ سال برایش صادقانه درگرم و سرما کوشش کرده ؟

... ولی چون من یکی از چهارم قهرمان را به خوبی می شناختم و شاید وجود ناؤنیش چندماه یا چند روز دیگر زیر دست ساواکی های سابق و پاسداران فعلی به خاک و خون بغلبد بنویسم تا در دفاع از او برخاسته باشم هر چند که آنقدر این طوفان

چند وقت پیش روزنامه کیهان هواپی را خانه یکی از دوستانم و زوق می زدم، چون قابل خواندن نیست، فقط باید ورق زده، ناگهان چشم به نام آشنای افتاد. ناخدا افضلی را بعنوان جاسوس روسیه محاکمه می کنند.

چون چندین سال است این موجود شریف را می شناختم به عکس خیره شدم. باورم نمی شد، خدایا این آدم همان افسر قدیمی است که می شناختم که حالا به این روز افتاده است..... با ناپاوری باز روزنامه را خواندم. ناگهان تمام خطوط روزنامه برنگ کلگون خون پاکش درآمد. دستم را به پوسته شب کشیدم و از او پرسیدم، آیا سیاهی تو همیشه با ما خواهد بود؟ پیش خودم فکر کردم کدام درست فکرمی کردند؟ اون افسرهایی که با میلیون میلیون توی آمریکا و اروپا زندگی می کنند و هر شب تا صبح ... پایکوبی می کنند، و یا این وجودناؤنیشی که تا آخرین لحظه با حقوق کم نیروی دریائی ساخت و سرچایش ماند و جا خالی نکرد؟

تقریبا هشت سال بود او را می شناختم و در کنارش کار می کردم. نه این را از دهان من می شنوید، دلم می خواست از دیگر همکارانش نیز پرسید. این مرد به هیچ چیز به جز ایران فکر نمی کرده سالها در بوهر جای بسیار بد آب و هوا

۲۹ اسفند
سال روز ملی شدن نفت

۲۲ سال پیش، روز ۲۹ اسفند سال ۱۳۲۰، قانون ملی شدن صنعت نفت ایران به تصویب مجلس شورای ملی رسید. ملی شدن صنعت نفت ایران، در نتیجه مبارزات فدائکارانه و قهرمانانه مردم ایران در راه تصاحب ثروت ملی خویش علیه امپریالیسم غارتگر انگلیس و شرکت نفت انگلیس و ایران امکان پذیر شد.

امپریالیست های انگلیسی و آمریکائی بر آن بودند که ایران موعده اعتبار قرار داد سال ۱۳۱۰ را که موجب آن شرکت نفت انگلیس و ایران امتیاز استخراج نفت را داشت، تمدید کند و از این طریق نفت ایران را همچنان به تاراج برد. امپریالیست ها علاوه بر زدوبند با مرتجعان وابسته به دربار پهلوی، به شیوه های امپریالیستی چون فشار دیپلماتیک شانتاژ و قدرت نمائی توسل می جستند.

دیوید معاون وزارت امور خارجه انگلیس و شهرد، سفیر انگلستان صریحا اعلامیه های تهدید آمیزی برای دولت مصدق صادر می کردند. سفیر آمریکا، یادداشتی به دولت مصدق تقدیم کرد. در این یادداشت گفته شده بود دولت آمریکا، قانون ملی شدن صنعت نفت ایران را نمی پذیرد و استیفای حقوق شرکت نفت انگلیس و ایران را لازم می داند.

هم زمان با عربده هایی که از واشنگتن و لندن شنیده می شد، ناوهای جنگی انگلیس و آمریکا به حوزه خلیج فارس اعزام شدند.

ولی زحمتکشان ایران یک دل و یک جان به دفاع از ثروت، استقلال و شرف ملی خود قد علم کردند. در بسیاری از شهرهای ایران تظاهرات و میتینگ های اعتراضی نسبت به زد و بند مقامات رژیم شاه با امپریالیستهای آمریکایی و انگلیسی برپا گردید. طبقه کارگر ایران و حزب آن، حزب توده ایران که به نحوی بی گیر از مصالح زحمتکشان دفاع می کرد، پیشاهنگ این مبارزه ضد امپریالیستی مردم ایران بود.

امپریالیستهای آمریکا و انگلستان با تحریم خرید نفت ایران، و به مقابله با این پیروزی بزرگ مردم ایران برخاستند. سوداگران بزرگ نفت آمریکا و انگلستان جلسه مشاوره ای در واشنگتن تشکیل دادند و در باره اقدامات توطئه گرانه مشترک، جهت باز یابی مجدد منافع نامشروع خود در ایران که در نتیجه تصویب قانون ملی شدن نفت از دست داده بودند، به توافق رسیدند.

امپریالیست ها با کودتای خونین ۲۸ مرداد که مبتکر آن اولیای امور سازمان سیا آمریکا بودند، موفق شدند جنبش ضد امپریالیستی و دمکراتیک مردم ایران را سرکوب کنند و دولت ملی دکتر مصدق را سرنگون سازند. رژیم تروریستی که بعد از این کودتا روی کار آمد، در درجه اول حزب توده ایران را مورد بی کرد و تعقیب قرار داد.

شدید آلوده است که قدرت دفاع را از ما گرفته است و با تاسف می بینم که نهال های پاک آزادی کشورمان یکی بعد از دیگری به دست این طوفان موذی از بین می روند در حالی که ما با دستهای به هم گره شده پشت پنجره ناظران هستیم.

این نامه را به این انگیزه نوشتم که مردم ایران به خون نشسته ام باورشان نشود که اینها جاسوس بودند چون شما فقط اسامی قطار شده حسن، حسین، مرضیه غیره را می بینید که توی روزنامه با یک لقب کتیف که رژیم مغفورا سلامی به آنها نسبت داده ولی شاید نمی دانید که پشت هر اسم چه چهره های با سواد، پاک، قهرمانی ایستاده. آنها را باید شناخت گذشته شان را دانست تا دید چقدر رژیم اسلامی حقیقت می گوید.

بقیه در صفحه ۱۶

عوام فریبی برای توجیه توسعه طلبی!

جنگ ایران و عراق وارد مرحله بسیار خطرناکی برای دو خلق برادر و همسایه و دیگر خلق های منطقه شده است. جنگی که حساب های غلط صدام حسین برای بهره برداری از ضعف نظامی ایران پس از انقلاب، با تشویق امپریالیسم، موجب شعله ور شدن آتش آن گردید. اینک بر اثر تلاش های توسعه طلبانه ارتجاع ایران برای توسعه "قلمرو حکومت الله" به خاک عراق، به مرحله جدیدی پا گذاشته و هر روز هزاران جوان ایرانی را به کام مرگ فرومی کشد، شهرها و روستاهای ایران و عراق را ویران می کند و ضربات کشنده ای بر اقتصاد ضعیف هر دو کشور وارد می آورد. از هنگامی که صدام حسین بر اثر مقاومت دلیرانه مردم ایران در برابر تجاوز خارجی به غیر قابل تحقق بودن آرزوهای خودی برد و حاضر شد به خواستهای قانونی ما کردن نهد، هیچ گونه دلیل موجهی برای ادامه جنگ بی معنی برادر کشی میان دو ملت وجود نداشته است. اما این روزها سران رژیم برای توجیه لزوم ادامه جنگ، دلیل می تراشند و در هر فرصتی توجیهایت عوام فریبانه خود را در مهار کردن خواست های بر حق مردم، مبنی بر خاتمه دادن به این جنگ بی سرانجام به کار می گیرند. بویژه آقایان رئیس جمهور و رئیس مجلس، بیش از دیگران برای توجیه ادامه جنگ "دلیل" در چننه دارند. استدلالات اصلی استدلال های آقایان این است که گویا تا صدام و رژیم یعنی عراق با یک حکومت اسلامی، مطابق استاندارد ایران چا نشین نشود، صلح و امنیت به منطقه باز نخواهد گشت. گوئی نظام های وابسته به امپریالیسم از هنگامی بر کشورهای عربی و غیر عربی خاور نزدیک و میان مسلط شده اند که رژیم صدام در عراق روی کار آمده است. در واقع برداشت سران حاکمیت از "صلح و امنیت" همان برداشتی است که در ایران دوران قاجار وجود داشت و رژیم انگلیسی فیصل - نوری سعید در عراق برقرار کرده بود. "صلحی" که انگلیس در سایه آن خود را در "امنیت" کامل احساس می کرد. اکنون این واقعیت که امپریالیسم جهانی و نو استعمار، صلح و امنیت خلقهای منطقه خاور نزدیک و میان و دیگر نقاط زمین را به خطر انداخته انکار ناپذیر است، حتی رژیم صهیونیستی اسرائیل که ده ها سال است در منطقه آتش افروزی می کند قائم و لذات نیست و به مثابه افزاری در دست امپریالیسم جهانی به کار گرفته می شود. تمامی رژیمهای عربی و غیر عربی منطقه نیز از این قاعده مستثنی نیستند و در مقام گوش به فرمانان امپریالیسم بین المللی خدمت می کنند. پیروی شاه ایران به اشاره امپریالیسم به افغان نیرو فرستاد و ملک قابوس را نجات داد. دیروز صدام به ایران پس از انقلاب هجوم آورد و فردا سلطان عمان، دلال

دخالت مستقیم نظامی امپریالیسم در منطقه خواهد شد. این واقعیات از روز هم روشتر است اما سران حاکمیت جمهوری اسلامی می کوشند، آنها را نادیده بگیرند. آقای رفسنجانی به منظور خاموش کردن صدای اعتراض مردم، در نماز جمعه فریاد می کشد ما نمی توانیم در اینجا متوقف شویم، زیرا هر گونه توقفی به معنی بازگشت و شکست است. او از جهتی راست می گوید: پس از اینکه حاکمیت اسلامی ایران از موقعیت های مناسب برای پایان دادن به جنگ استفاده نکرد و حل مسئله "صدام" را به خود خلق عراق واگذار نساخت و بالاخره این "رسالت تاریخی" را برای خود قابل شد که به هر قیمت، انقلاب خود را به عراق صادر کند، اینک برای ج. ا. هر گونه کردن نهادن به یک صلح عادلانه، نشانه ورشکست است. به این جهت سران حاکمیت اصرار دارند از راه جنگ، حتی به بهای کشته شدن صدها هزار جوان و نوجوان دیگر ایرانی، "مجلس اعلا اسلامی عراق" را همراه با "پنجاه فراسیر عراقی که تربیت شده اند" به بغداد صادر کنند.

اما در عرف بین المللی این طرز عمل، زیر هر نقابی که پنهان شود، جز توسعه طلبی عنوان دیگری ندارد. آقای رفسنجانی و دیگران که از عدم تحقق سریع نقشه های خود به خشم آمده اند، دیگر کشورهای منطقه را هم تهدید می کنند که دست از پشتیبانی صدام بردارند و مانند مردم ایران، خود را برای زندگی زیر سایه "عدل اسلامی" آماده نمایند. یعنی بدون مقاومت، تسلیم کسانی شوند که فردا بساط تعزیر و شلاق و شکنجه، توهین و تحقیر زنان، پایمال کردن حقوق کارگران و دهقانان و محو دانش، فرهنگ و هنر را در آنجا برپا خواهند کرد و امثال آقای لاجوردی را برای تشکیل اردوگاه های مرگ که "ندامتگاه" نامیده می شود به آنجا خواهند فرستاد.

جالب توجه اینکه سران حاکمیت که خود احساس می کنند دلایلشان برای قانع کردن مردم بسیار ضعیف است، از طرفند دیگری سود جسته اند و بی دربی روی "امداد غیبی" تکیه می کنند. آقایان مدعیند که نقشه های توسعه طلبانه شان به قدری "اسلامی" و "جدائسندان" است که حتی حضرات خضر و الیاس و امام غایب هم به دستور الله در چپه های نبرد حضور دارند و به "رزمندگان اسلام" کمک می کنند! روز جمعه گذشته، آقای رفسنجانی در خطبه های نماز خود بارها روی "امدادهای غیبی" تکیه کرد. به نظر می رسد رهنمود تکیه بر "الطاف الهی" و "امدادهای غیبی" از بالا آمده و تنها آقای رفسنجانی و آقای خامنه ای نیستند که با سوء استفاده از اعتقادات مذهبی مردم و توسل به "امداد غیبی" می کوشند مردم را بفریبند تا برای

نوشیدن "شریت شهادت" کمتر تردید به خود راه دهند. آنان چنین وانمود می کنند که گویا، این روزها در همه جا "امداد غیبی" به کمک "ایران اسلامی" آمده است و حتی در کشتن الله قلی خان جهانگیری هم "امداد غیبی" نقش اساسی داشته است.

سیف اللهی، فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منطقه ۲، در ارتباط با کشته شدن الله قلی خان جهانگیری، اظهار داشت: "در تاریخ ۲۵ بهمن ماه، چند مرحله عملیات اجرا شد. بدین صورت که سپاه منطقه ۲ در اصفهان با طرح ریزی و امدادهای غیبی و لطف خداوندی و پشتیبانی خاص حضرت بقیه الله الاعظم (عج)، عملیات به مرحله اجرا درآمد."

لازم به یادآوری است آقای لاجوردی معروف که پیش از او صحبت کرد، دو بار روی "امداد غیبی" تکیه نمود. وقتی به نوجوانان بی تجربه تلقین می شود که می توانند بی محابا به دشمن حمله کنند، زیرا "امداد غیبی" آنان را از چشم دشمن پنهان نگاه می دارد، خود را به آب و آتش می زنند و کشته می شوند. این همه نوجوانان شهید ایرانی که روی آبهای باتلاقی شناور بودند و تلویزیون های غرب، کالبد بی جان شان را نشان داد، کسانی هستند که به امید "امداد غیبی" به مسلخ رفته اند. در همین حمله به پایگاه الله قلی خان هم که "یک مارکیست ضد خدا و ضد بشر و معجونی از شرارت و شقاوت و کفر بود، هم منافق هم کمونیست هم خان. و هم شرور بود" با وجود "پشتیبانی خاص حضرت بقیه الله الاعظم (عج)" باز هم چندتن از پاسداران به "قیض شهادت" نائل آمده اند. این چگونه "امداد غیبی" است که علی رغم دادن هزاران کشته و زخمی در جبهه و پشت جبهه باز هم کاری از پیش نمی برد؟

اما این واقعیات از چشم مردم ما، دور نیست. آنان دروغ بافی های مفرضانه سران ج. ا. ریاور نمی کنند و دیگر حاضر نیستند جوانان خود را برای انتقام کشی های شخصی بعضی سران حاکمیت از رفتار صدام با آنان (قبل از انقلاب) و یا صدور شکنجه و قصاص و تعزیر به کشورهای همسایه فدا کنند.

خلق های کشورهای خاورمیانه و نزدیک، تنها هنگامی می توانند با موفقیت در برابر هجوم امپریالیسم و نو استعمار بایستند و از استقلال و آزادی خود دفاع کنند که دست به دست هم دهند و از تمامی امکانات مادی و نظامی خویش استفاده نمایند. این جنگ بی سرانجام همه منابع اقتصادی و انسانی دو خلق همسایه را به نابودی می کشاند و تنها به سود دشمنان خلق های ما، امپریالیسم بین المللی و صهیونیسم دستیار ارست، هیچ گونه عوام فریبی، حتی با پوش "اسلامی"، نمی تواند این واقعیت دردناک و تلخ را پنهان کند.

شوروی ستیزی و توده‌های ستیزی...

بقیه از صفحه ۱

سخنانی که آقای رفسنجانی در دیدار با وزیر امور خارجه این کشور بیان کرده است، از جهات خاصی جالب توجه است!

او به مثابه یکی از بلندپایه ترین سخنگویان رژیم جمهوری اسلامی - رژیمی که پا جای پای رژیم شاه گذاشته است - از طریق وزیر امور خارجه دولت آمریکایی ترکیه و در قالبی دیپلماتیک، اوج تلاش حاکمیت جمهوری اسلامی جهت به دست آوردن دل امپریالیسم آمریکا و جلب پشتیبانی آن رابه نمایش می‌گذارد. آقای رفسنجانی می‌گوید:

"مردم هر دو کشور مسلمانند و در نتیجه شرایط مشابهی در منطقه دارند و همین طور خطرات واحدی هر دو کشور را تهدید می‌کنند" (جمهوری اسلامی ۲۰ اسفند).

او در میان این خطر واحد که خلق‌های هر دو کشور و سراسر منطقه و جهان را تهدید می‌کند، به سراغ امپریالیسم آمریکا نمی‌رود. بلکه مانند سردمداران نظام ستمشاهی، "خطر" موهم شوروی را به جای خطر واقعی آمریکا می‌نشانند. رفسنجانی همچون یک "شوروی ستیز" حرفه‌ای در ادامه سخنان خود اضافه می‌کند:

"در همین شرایط هم اگر صدام را به حال - خودش واگذاریم تهدید بزرگی برای آزادی در منطقه خواهد بود. او ... مجری اهداف شوروی خواهد بود" (همانجا).

سردمداران جمهوری اسلامی که در برابر عملیات تحریک آمیز رژیم‌ناوهای آمریکایی در خلیج فارس و شلیک نارگان آمریکا به هواپیمای ایران، سکوت پر معنایی پیشه کرده‌اند، در بوق و کرنای "ضد شوروی" و ضد کمونیستی می‌دمند.

ولی آقای رفسنجانی خوب می‌داند که رژیم عراق نه تنها مجری به اصطلاح "اهداف" شوروی نیست، بلکه با رژیم جمهوری اسلامی برای جلب پشتیبانی امپریالیست‌ها و به ویژه امپریالیسم آمریکانیزه رقابت برخاسته است.

آقای رفسنجانی خوب می‌داند این رژیم عراق نیست که "تهدید بزرگی برای آزادی منطقه است" بلکه حضور نظامی گسترده امپریالیسم آمریکا در منطقه خلیج فارس و دخالت آن در امور داخلی کشورهای منطقه، منشأ بزرگترین خطرات و تهدیدات برای آزادی منطقه است. آقای رفسنجانی با علم کامل به حقایق بالا و با تحریف آنها، در قالب به اصطلاح دیپلماتیک بخشی از بهایی را که جمهوری اسلامی ایران حاضر است در معامله سیاسی با امپریالیسم آمریکا بپردازد، عرضه می‌کند. او می‌گوید:

"در سایه حل مسئله عراق، مسئله افغانستان نیز قابل حل است. اگر این مسئله حل نشود در افغانستان هم مشکلات قابل حل نیستند. هم اکنون دو مشکل منطقه افغانستان و حزب بعث عراق است."

در این سخنان آقای رفسنجانی علاوه بر پرده پوشی مجدد خطر جدی امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا در منطقه، پیام رمزی نیز برای این جنایتکاران منخابره می‌شود، پیام رمزی با این مضمون و محتوی:

در قبال پشتیبانی امپریالیسم آمریکا از ایران در جنگ توسعه طلبانه با عراق، جمهوری اسلامی آمادگی دارد که برای حفظ منافع امپریالیسم در جنگ اعلام نشده علیه افغانستان در مقیاس و ابعادی به مراتب گسترده تر و وسیع‌تر از امروز شرکت کند. او در ادامه سخنان خود ارتجاع منطقه را به اتحاد حول کارپایه "کمونیسم ستیزی"، "شوروی ستیزی"، این حربه قدیمی و زنگ زده امپریالیسم وار تجاع، فراخوانده، می‌گوید:

"اگر این دو مشکل حل شود، کشورهای عربی (بخوان ارتجاع عرب) و ما و شا و پاکستان، می‌توانیم همکاری‌های سازنده تری را برای منطقه داشته باشیم. همچنین حسن دیگر آن این است که اگر یک حکومت اسلامی در عراق به وجود بیاید، خطر کمونیسم در منطقه دور خواهد شد"

قداک تشکیل دوباره پیمان امپریالیستی ستودر سالگرد انحلال آن

تلاش آقای رفسنجانی برای اینکه با روشنی و صراحت بیشتر و بدون هرگونه ابهامی نقطه نظرات ارتجاع حاکم بر ایران را بیان کند، خود در شرایط کنونی، اهمیت سیاسی ویژه‌ای دارد. و الحاق که او در این تلاش خودنیز موفق بوده است - او تصریح می‌کند ایران حاضر است با ارتجاع عرب، پاکستان و ترکیه وارد "همکاری سازنده" (بخوان همکاری‌های منطقه‌ای سیاسی - اقتصادی و سرانجام نظامی) شود. پایه اقتصادی این پیمان، هم اینک با احیای پیمان عمران منطقه‌ای - به ابتکار سران جمهوری اسلامی - فراهم آمده است.

سران جمهوری اسلامی بارها و به اشکال گوناگون تمایل خود را برای تشکیل این پیمان همکاری‌های اقتصادی - سیاسی - نظامی با ارتجاع دست نشانده امپریالیسم بیان کرده‌اند. هدف سیاسی - نظامی این پیمان نیز از چندی پیش کاملاً روشن شده است: دور کردن به اصطلاح "خطر" کمونیسم، ایجاد دیواری نفوذ ناپذیر در مقابل به اصطلاح نفوذ شوروی و در تحلیل نهائی حفظ منافع امپریالیسم و ارتجاع منطقه.

جالب توجه آن است که آقای رفسنجانی این سخنان را در روزهایی به زبان می‌آورد که مقارن با پنجمین سالگرد انحلال پیمان امپریالیستی و تجاوزکارانه ستو - به دنبال پیروزی انقلاب بهمین - است.

در واقع با چرخش هیئت حاکمه جمهوری اسلامی به راست و خیانت به اهداف انقلاب و با نزدیکی هر چه بیشتر جمهوری اسلامی به امپریالیسم، "آنتی کمونیسم" روزه روزی بیشتر به سیاست دولتی رژیم تبدیل می‌شود. سیاستی که به شهادت تاریخ همه خلق‌های تحت ستم، ابزار ایدئولوژیک و سیاسی اصلی برای تأمین نفوذ هر چه بیشتر امپریالیسم و تقویت مواضع سیاسی - نظامی و نو استعماری آن و تثبیت و تحکیم وابستگی خلق‌های کشورهای در حال رشد به امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا است. مردم ما نیز طی ده‌ها سال مبارزه برای آزادی ملی و استقلال راستین، بارها این واقعیت را به تجربه عینی آزموده‌اند.

در دوران های نکیبت باز سلطنت رضاخان و پسرش "آنتی کمونیسم" با شدتی روز افزون و به اشکال گوناگون پیاده شد و هر بار به شکست قطعی عاملین مزدور آن انجامید.

در جریان سالهای پس از پیروزی انقلاب بهمین نیز شوروی ستیزی و کمونیسم ستیزی همواره وجه مشترک سیاست همه نیروهای ضدانقلابی و سازشکار برای زمینه سازی سرکوب پاسخ انقلاب بوده است.

سرنوشت کمونیسم ستیزان جدید نیز بهتر از سرنوشت اسلاف آنان نخواهد بود...



در هفته ای که گذشت:

واردات کفن برای کشته شدگان جنگ

در روزهای اخیر، اخبار تلفات بی‌سایه ایران در جنگ با عراق موج گسترده ناراضی در میان مردمی که پایان این جنگ یوسه طلبانه را می‌طلبند برانگیخته است.

بر اثر اهداف شوونیستی رهبران جمهوری اسلامی ایران تعداد بی‌شماری از مردم زحمتکش ما، قربانی شده‌اند. منابع مختلف، رق کشتگان و مجروحین ماجراجویی اخیر را تا صا هزار نفر تخمین می‌زنند. سران جمهوری اسلامی تلاش دارند این واقعیات تلخ را از مردم پنهان کنند. اما شواهد مختلف افشاکر ابعاء و حشتناک فاجعه است.

اخیرا در هلند اعلام شد که هر دو کشور ایران و عراق سفارش خرید کفن از فنلاند را چند برابر کرده‌اند.

گزارش دیگری حاکی است، ایران سفارش پارچه کفن را به یک کارخانه ترکیه را نیز به میزان ۴ برابر افزوده است. به راستی اگر آمار کشته شدگان ایران در حرات اخیر از چند نفر تجاوز نمی‌کند، سران جمهوری اسلامی این کفن‌ها را برای که می‌خواهند؟

ببگرد حاشیه نشینان تهران!

معضل مسکن و یافتن آلتنگ یا سریناهی برای گذران زندگی، یکی از مسائلی است که هر روز زحمتکشان ما با آن دست به گریبانند!

پس از تصویب لایحه ارتجاعی مالک و مستاجر که چیزی جز ماده واحده‌ای در تأیید و تصویب مجدد قانون زمان طاغوت مصوب شهریور ۵۶ نیست، اینک مسئولان جمهوری اسلامی با یک اقدام دیگر که مهر و نشان سالهای پایانی حکومت خفقان و استبداد شاهنشاهی را به همراه دارد، کامی دیگر علیه زحمتکشان برداشتند.

حسن طاهری استاندار تهران که به عنوان رئیس مسئول جمهوری اسلامی از حل یا حتی تخفیف بخشیدن به این مسئله‌خاد سر باز زده است. به مثابه جانشین خلف استانداران رژیم شاه اعلام کرد:

"کسانی که بدون مجوز و خارج از ضوابط در حاشیه شهرهای استان تهران اقدام به خانه سازی کرده‌و یا به طور غیرقانونی از آب و برق استفاده نمایند چه در گذشته و حال و چه در آینده، چنانچه رفع تخلف نکنند، مورد پیگرد قرار خواهند گرفت."

لازم به یادآوری است که حاشیه نشینان استان تهران هیچکس جز زحمتکشان که توانایی پرداخت اجاره بها در شهر تهران را نداشته و یا مهاجرین روستایی‌ای که با ادامه سیاست فاجعه آمیز حاکمیت جمهوری اسلامی

بقیه در صفحه ۱۳

گام دیگری در راه واگذاری صنایع ملی شده به سرمایه‌داران

بخش خصوصی اعلام می‌کند.

" همانطور که همگان آگاه هستند، کارخانجات بنیاد، ارثیه‌ای به جا مانده از افراد وابسته و طاغوتی است. اکثر این واحدها در بدو تحویل به بنیاد مستضعفان، بدهی‌های کلانی به همراه داشتند که اهم سوده‌های بنیاد، صرف پرداخت این بدهی‌ها شده است."

سرپرست بخش صنایع بنیاد مستضعفان در این قسمت از سخنان خود، حتی بر باز پرداخت بدهی‌های این زالوصفتان از جیب تهی مردم زحمتکش از طریق بانکها و بیمه‌های اجتماعی تأکید کرده، می‌گوید: " حدود ۸ میلیارد ریال از این بدهی‌ها تا پایان سال ۶۳ پرداخت می‌شود و برای مبلغ باقی مانده نیز توافق‌هایی با بانکها و طلبکارهای متفرقه انجام شد که به تدریج این بدهی‌ها پرداخت شود" (اطلاعات، ۱۰ اسفند).

ظاهرا پرداخت بدهی‌های واحدهای اقتصادی متعلق به بنیاد، یکی دیگر از اقدامات مهم برای جلب اعتماد مستکبران، برای دعوت آنان به تصاحب اموال مستضعفان است.

در روزهای گذشته، اتخاذ تصمیمات و مستگیری نوسازی پرشتاب نظام سرمایه‌داری و بازگرداندن اموال مصادره شده به بخش خصوصی همچنان ادامه داشت. سرپرست بخش صنایع بنیاد مستضعفان، طی یک گفتگوی اختصاصی با اطلاعات به وضعیت کنونی واحدهای صنعتی بنیاد اشاره کرده و گفت:

جمع کارخانجات تحت پوشش این بخش، بالغ بر ۱۲۰ شرکت بزرگ صنعتی است که از نظر تنوع صنعت در کشور در صدبالیی را به خود اختصاص می‌دهد."

سرپرست بنیاد، یک بار دیگر از تصمیم حاکمیت جمهوری اسلامی مبنی بر واگذاری صنایع تحت سرپرستی بنیاد مستضعفان به سرمایه‌داران سخن می‌گوید:

همان طرز که می‌دانید سرمایه‌های بنیاد، حالتی سرگردان و پلاتکلیف دارد که با هماهنگی و همکاری نسبت به ایجاد صنایعی که اعتماد واحدهای خصوصی را هم جلب می‌کند، سرمایه‌ها را به مشارکت دعوت خواهیم کرد."

و این بار تصمیمات تازه‌ای برای جلب اعتماد

سیاستهای ضدکارگری رژیم و اعتراضات کارگران

خود به " وجود برخی نارسائی‌ها" در این بخشنامه اعتراف کردند و خواهان تجدید نظر در آن شدند.

حاکمیت جمهوری اسلامی که از اوج‌گیری این اعتراضات نگران شده است می‌کوشد با گسیل افراد ظاهرالصلاح به کارخانه‌ها، کارگران را به حفظ آرامش دعوت کند و به آنها وعده سرخرمن بدهد.

بازدید نمایندگان جمعی جمهوری اسلامی از جمله حسین کمالی، عضو شورای مرکزی خانه کارگر و مسئول شاخه کارگری حزب جمهوری اسلامی از کارخانجات مختلف غرب تهران (ایران خودرو و...) در پی این اعتراضات گسترده و با هدف ساکت کردن کارگران، صورت گرفته است.

در این هفته نمایندگان کارخانه ارج نیز، به منظور طرح نظرات و اعتراضات کارگران این کارخانه با نخست وزیر ملاقات کردند و پیرامون مسائل ومشکلات کارگران با وی به گفتگو پرداختند.

نبرد طبقاتی اوج می‌گیرد. کارگران در اعتراض به سیاست های ضدکارگری رژیم، کارخانجات را به صحنه اعتراضات خود تبدیل کرده‌اند. کارگران علی‌رغم توطئه‌های گوناگون از سرکوب خشن گرفته تا وعده‌های سرخرمن مسئولین جمهوری اسلامی، همچنان قاطعانه ایستاده‌اند و حق خود را طلب می‌کنند.

پس از انتشار پیش‌نویس "جدید" قانون کار، موج اعتراض کارگران کارخانه‌های تهران، اصفهان، شیراز، تبریز، کرمان، اهواز و همدان و سایر شهرهای کارگری علیه محتوای ضدکارگری آن آغاز شد.

بخشنامه اخیر وزارت کار پیرامون نحوه محاسبه و پرداخت اضافه دستمزد و تثبیت میزان حداقل دستمزد که در هفته گذشته صادر شد، برداشته این اعتراضات افزود.

کارگران صدور این بخشنامه را در شرایط وجود تورم سرسام آور فعلی یک اقدام وقیحانه ضدکارگری شمرده و خواهان تجدید نظر در آن شده‌اند. این اعتراضات چنان ابعادی یافت که مسئولین خانه کارگر، ضمن نشست ماهانه

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

گفتگوهای سیاسی میان کشورهای جنوب آفریقا

حل اختلافات از راه مذاکره بودند و اکنون که پشت میز گفتگو نشسته اند، به معنی عقب نشینی از مواضع پیشین نیست.

نماینده آنگولا در لوساکا تاکید کرد، قرارداد وقتی می تواند اجرا شود که آفریقای جنوبی به عملیات تجاوزی علیه آنگولا پایان دهد، سربازان خود را از جنوب آنگولا خارج کند و به قطعنامه ۲۴۵ شورای امنیت سازمان ملل متحد در مورد نامیبیا احترام بگذارد و بالاخره پشتیبانی سیاسی و نظامی از رهازان "اوپیتا" از سوی ایالات متحده و آفریقای جنوبی خاتمه پذیرد. طی این گفتگوها تاکید شد که آنگولا از مبارزه خلق نامیبیا، زیر رهبری سواپو برای استقلال و آزادی پشتیبانی می کند.

ژواکیم شینائو، وزیر امور خارجه موزامبیک از جانب خود در روزنامه "نوتیسیاس" نوشت

"موزامبیک همچنان از کنگره ملی آفریقا" در بیکار علیه جدا سازی نژادی پشتیبانی می کند."

او آنچه گفته شد روشن می شود که هدف آنگولاموزامبیک از این گفتگوها، دستیابی به "صلح به هر قیمت" نیست، بلکه آن را وسیله ای در جهت تکمیل وضع در جنوب آفریقا محسوب می دارند، صلحی که بدون آن توسعه مستقل کشورهایشان ممکن نیست.

روشن است که برای تحقق این هدف، آفریقای جنوبی باید تعهدات خود را رعایت کند چیزی که بسیاری از نظران سیاسی در آن شک دارند.

روژنامه "دیلی تلگراف" چاپ لندن می نویسد:

"سرعتی که با آن جمهوری آفریقای جنوبی نقش خود را عوض کرد و از متجاوز به "هوادار صلح و ثبات" بدل شد، حتی وقیح ترین دیپلمات ها را هم به حیرت انداخته است."

گفتگوهای "لوساکا" و "مایوتو" عنصر جدید و قابل ملاحظه ای در ایجاد فضای سالم سیاسی در جنوب آفریقا است. ولی به سختی می توان باور کرد تا هنگامی که نژاد پرستی و جداسازی نژادی در جمهوری آفریقای جنوبی حاکم باشد و تا وقتی که این رژیم با پشتیبانی و تحریک امپریالیسم جهانی و در درجه اول امپریالیسم آمریکا، علیه دگرگونی های مترقی در کشورهای مستقل آفریقا و جنبش های رهایی بخش ملی در این قاره دست به اقدامات نظامی بزند، بتوان به صلح و همزیستی دست یافت. "صلح و جداسازی نژادی یکدیگر را نفی می کنند"، چنین است محتوی اعلامیه دفتر "کنگره ملی آفریقا" در لوساکا. در این اعلامیه گفته می شود که میهن پرستان آفریقای جنوبی فریب مانورهای نژاد پرستان را نخواهند خورد و مبارزه برای استقلال کامل و آزادی را ادامه خواهند داد.

حال افزایش است و این باعث ترس و نگرانی در هیئت حاکمه می شود. تلاش در راستای رهایی از جنگ روانی با همسایگان برای متمرکز کردن تمام قوا در جهت مبارزه با "دشمن داخلی"، یکی از انگیزه های اصلی است. از این گذشته، جنگ به قیمت جان بسیاری از سربازان و هزینه های سنگین تمام می شود که باری گران بر اقتصاد آفریقای جنوبی است.

راست است که آنگولا و موزامبیک نیز بر اثر تجاوزهای دائمی آفریقای جنوبی و ویرانگریهای متجاوز در وضع دشوار اقتصادی قرار دارند و برای تحکیم پایه های اقتصاد خود، و انجام دگرگونی های اجتماعی-اقتصادی، به صلح نیاز دارند. اما این بدان معنا نیست که آفریقای جنوبی، آنها را به زانو در آورده بوده است و بدین جهت آن طور که مطبوعات غربی می نویسند مجبور به مذاکره شده اند. هم آنگولا و هم موزامبیک، از هنگام کسب استقلال، هوادار

وی آن گاه، بغض خود را علیه روستائیان مهاجر به جانبداری از "تروریست های اقتصادی" که آنان را "کاسب" می نامد، خالی کرد و گفت:

"از طرف دیگر کاسب های متدین و متعهد نیز مایل نیستند که پس از ۲۰ یا ۲۰ سال کاسبی در یک چهاردیواری مغازه ببینند، یک نفر از روستاهای (۱) دوردست آمده و با شروع به کار دست فروشی، اصالت کسب آنها را از بین ببرد..."

سرانجام آقای شهردار برای آن که خللی به کار "کاسب های متدین و متعهد" وارد نگردد و سدی در مقابل کسب سود بیشتر آنها به وجود نیاید، اعلام می کند:

"بنا بر این موقف هستیم که برای جلوگیری از فسادهای اجتماعی و اقتصادی یا سد معبر پرخورد قاطع داشته باشیم و تا به حال داشتیم و آن را ادامه خواهیم داد" (کیهان، ۱۰ اسفند ۶۲).

تبلیغ سازش طبقاتی در دوررژیم

امیرعباس هویدا:

"خوشبختانه ما در ایران نه جنگ طبقاتی داریم و نه به آن معتقد هستیم" (سخنرانی در سومین کنفرانس ملی کار، ۱۳۵۰).

حجت الاسلام علی خامنه ای: "جنگ طبقاتی و خشم طبقه پولتاریا دروغ هایی است که کذب آن در تجربه ثابت شده است..."

کیهان ۱۳ اردیبهشت ۶۲

در هفته های گذشته با آغاز گفتگوهای مستقیم میان آنگولا و موزامبیک او یکسو و جمهوری نژاد پرست آفریقای جنوبی از سوی دیگر، توجه محافل جهانی به این منطقه جلب شد. نمایندگان آنگولا، آمریکا و آفریقای جنوبی با یکدیگر دیدار کردند. در این دیدار، مسئله دور کردن ارتشها در جنوب آفریقا مطرح شد. شرکت کنندگان در این گفتگو توافق کردند واحدهای ارتش آفریقای جنوبی که هنوز جنوب آنگولا را در اشغال خود دارند، آنجا را ترک کنند. در موزامبیک، گفتگوها پیرامون عادی کردن مناسبات میان دو کشور بود.

در واقع دگرگونی در رفتار رژیم پرتوریا، به هیچ وجه داوطلبانه نیست، بلکه یک سلسه مسائل حکومت این کشور ————— رابه این کاروآداشته است. این دولت نژاد پرست، اینک با مشکلات جدی روبروست: مقاومت میهن پرستان "کنگره ملی آفریقا" پیوسته در

در هفته ای که گذشت:

بقیه از صفحه ۱۲
مجبورانه نقل مکان به شهرها شده اند، نیستند. استاندار تهران با تهدید این حاشیه نشینان به خرابی خانه های آنها اخطار کرد که:

"در صورت عدم رفع تخلف، از سوی گروه های ویژه که در اطراف شهرها در حال گشت زنی می باشند، طبق قانون و ضوابط شدیداً مورد پیگرد قرار خواهند گرفت."

مسئولان جمهوری اسلامی نیز که برای ادامه حکومت ننگین خود چاره ای جز تکیه به زور و اعمال وحشیانه (یعنی ابزاری که محمدرضا شاه پیشتر آن را به کار گرفته بود) نمی بینند، باید بدانند مردم جایگاه و سرنوشت نهایی چنین حکومت هایی را از پیش تعیین کرده اند.

رفع سد معبر یا رفع سدها در راه نجات سرمایه داری؟

در روزهای گذشته شهردار تهران در زمینه جلوگیری از دست فروشی و رفع سد معبر گفت: "از مسائلی که اخیراً مورد بحث بوده، مسئله رفع سد معبر بوده است. اصولاً سد معبر از لحاظ فقهی در بلاد مسلمین یک کار حرام است و در حال حاضر نیز دست فروشی در تهران و در شهرهای دیگر مشکلات فراوانی را در امور اقتصادی و اجتماعی فراهم کرده است."

برقراری اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

اعلامیه گروهی از هموطنان ارمنی

این است که کتابهای دینی اسلامی توسط موهلفان مسیحی نوشته شده، آنها به زبان ارمنی که حتما باید به زبان ارمنی تدریس شوند.

در برنامه رسمی مدارس فقط دو ساعت در هفته به تدریس زبان ارمنی اختصاص داده اند. حتی پانچیر شدیم در برخی از مدارس ارمنی که تحت مدیریت غیر ارمنی اداره می شود، آن دو ساعت را هم به زنگ آخر موکول کرده اند که عملا صورت اختیاری پیدا کرده است. معنی این اعمال چیست؟ نتایج آن چیست؟ در یک کلام، نابودی زبان و فرهنگ ارمنی!

حاکمیت جمهوری اسلامی ایران با این حرکات نه تنها اعتماد ارمنه ایران را نسبت به خودش از دست می دهد، بلکه تمامی مردم ایران همصدا با ارمنه ایران، این سیاست ها و حرکات جمهوری اسلامی ایران را که علیه ابتدائی ترین حقوق اقلیت ها و بخصوص ارمنه ایران انجام گرفته است محکوم خواهند کرد.

هم اکنون سه سال است که پیرامون این مسائل مذاکرات شورای خلیفه گری ارمنه با مسئولین جمهوری اسلامی در جریان است ولی تاکنون نه تنها به نتیجه نرسیده است، بلکه از طرف دولت تصمیات خطرناک و غیر مردمی در جهت پایمال کردن حقوق ارمنه ایران اتخاذ گردیده است.

مردم ایران و برخی مسئولان دلسوز جمهوری اسلامی می بینند حکومتی که ادعای ضد ملی گراشی دارد، عملا سیاست تبعیض نژادی را در پیش گرفته است. حکومت که ادعای "ضد استبدادی" بودن را دارد، عملا به سیاست زور و اجحاف متوسل می شود. حکومتی که ادعای "مردمی بودن" دارد، عملا به سیاست های ضد مردمی دست می یازد... اگر حکومت جمهوری اسلامی خود را انقلابی می داند، موظف است به اصول قانون اساسی وفادار باشد. کتابهای دینی ارمنی باید بر اساس موازین کلیسایی ارمنه توسط افراد متخصص مسیحی نوشته شود...

چندی پیش در تهران اعلامیه ای از سوی گروهی از هموطنان ارمنی، پیرامون فشار بیش از اندازه قشری ها به معتقدان به مذاهب دیگر انتشار یافت. در زیر بخش هائی از این اعلامیه را برای درک ماهیت ارتجاع سیاه حاکم پر کشورمان نقل می کنیم.

"ارمنه ایران که سالیان دراز علیه ظلم و ستم شاهان مبارزه می کردند، دوش پدوش سایر مردم ایران در انقلاب شرکت کردند. امپریالیسم آمریکا و دولت های غربی و ایادیشان در تمام مدت (این پنج سال) دست از توطئه بر نداشتند. ارمنه ایران، همراه با سایر مردم ایران این توطئه ها را خنثی کردند و در این راه شهید دادند. ارمنه ایران به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران رای دادند. قانون اساسی با وجود کمبودهایش حقوق ما را به رسمیت شناخته است. ولی متأسفانه حاکمیت و دولت جمهوری اسلامی برخلاف وعده هایش، اصول قانون اساسی را زیر پا گذاشته است. تصمیات و سیاست های اخیر دولت جمهوری اسلامی و نخست وزیری در رابطه با مدارس ارمنی و تدریس تعلیمات دینی به زبان فارسی نگرانی عمیقی در جامعه ایران به وجود آورده است که مسئول مستقیم این نگرانی ها و اعتراضات خود دولت جمهوری اسلامی است.

اصل ۱۳ قانون اساسی بطور صریح گفته است که اقلیت های دینی در احوال شخصی و تعلیمات دینی طبق آئین خود عمل نمایند و اصل ۱۵ قانون اساسی، تدریس زبان و ادبیات قومی و محلی را در کنار زبان فارسی آزاد دانسته است. حال ببینیم دولت و نخست وزیری و آموزش و پرورش از ما چه می خواهند؟ و چه چیزی را اجرا می کنند؟ دولت از مسأله خواهد که تعلیمات دینی خود را به زبان فارسی بخوانیم. هم اکنون کتابهای دینی که از طرف آموزش و پرورش به مدارس ارمنی توزیع شده اولاً به زبان فارسی است و ثانیاً توسط موهلفان مسلمان نوشته شده است. این درست مثل

زدو بندهای پنهان حکام ج.ا.ا. را با امپریالیسم جهانی افشاء کنیم!

پرداخت غرامت به انحصارهای ایتالیایی

ماه گذشته، روزنامه های ایتالیایی، گزارشهایی در باره تاریخ سفر یک هیئت اقتصادی ایتالیایی، مرکب از نمایندگان انحصارات ایتالیایی به جمهوری اسلامی منتشر کردند.

این گزارش ها حاکی از آن است که مقامات جمهوری اسلامی قصد آن دارند که همه قراردادهای منعقد شده در زمان شاه در باره ساختمان اسکله بندر عباس و فولاد مبارکه اصفهان را به انجام برسانند. هزینه احداث اسکله بندر عباس یک میلیارد دلار است که جمهوری اسلامی تا کنون نیمی از آن را پرداخته است. هزینه احداث پروژه فولاد مبارکه نیز یک میلیارد و سیصد میلیون دلار ارزیابی شده است.

یک روزنامه ایتالیایی می نویسد: "دو طرف تصمیم دارند روابط اقتصادی دو کشور را تا بدانجا برسانند که ایتالیا سهم بزرگی در پیشرفت و ترقی ایران (۱۲) داشته باشد. ایران پس از مدتی دوری دو باره برقراری این گونه روابط را با کشورهای دیگر آغاز کرده است" (۱۷ استامپا ۲۰ فوریه ۸۴). از سوی دیگر بنا به گزارش روزنامه دیگری دو شرکت ایتالیایی "ایتال استات" و "کندته" مبلغ ۶۴۰ میلیارد لیر غرامت بابت صدمات وارده به این شرکت ها طی مدت تاخیر در اجرای قراردادها از جمهوری اسلامی طلب کرده اند. جمهوری اسلامی ایران این تقاضا را پذیرفته است، ولی پرداخت این مبلغ به آینده واگذار شده است. (لا رپوبلیکا، ۲ فوریه ۸۴)

پیشنهاد ج.ا.ا. برای بازسازی "بسمان عمران منطقه ای"

سومنت اوو ژالپ، سرپرست هیئت نمایندگی ترکیه فاش کرد که ایران، ترکیه و پاکستان اولین دیدار خود را در سطح سفیر در این ماه در تهران خواهند داشت. او اظهار داشت این دیدار، بنابه پیشنهاد ایران به منظور بازسازی سازمان عمران منطقه ای صورت می گیرد. او اضافه کرد که ایران که بعد از انقلاب اسلامی پیشنهاد انحلال این پیمان را نموده بود، اینک خود برای احیای آن در سطح معاونین وزیر پیش قدم شده است. به نقل از "پاکستان تایمز" اورسیز ویک لی - چاپ لاهور، شماره ۱۸ دسامبر ۱۹۸۳



مقامات آمریکایی
اعلام کردند که باید
جلوی تجاوز
سوریه به لبنان
گرفته شود!
مطربعات

فریدون تنکابنی:

شولوخف و به آذین

اخیرا نامه ای از فریدون تنکابنی نویسنده انقلابی مشهور دریافت داشته ایم که در آن، به مناسبت مرگ میخائیل شولوخف نویسنده نامدار شوروی، از خاطره م. ا. به آذین نویسنده مبارز سیاسی و مترجم اصلی آثار شولوخف به فارسی یاد شده است. "راه توده" این نامه را به یاد به آذین آزاد - آنچنان که زحمتکش ایران او را می شناختند - به چاپ می رساند:

خبر درگذشت میخائیل شولوخف، نویسنده نامدار شوروی، خوانندگان آثارش را در تأسف و تأثر عمیقی فرو برد. اما اندوه ناشی از فقدان نویسنده ای بزرگ و انسانی والا، همراه با حسرت و دریغ نیست، چرا که این تسکین وجود دارد که شولوخف از همان آغاز دوران نویسندگی اش با استقبال به حق خلق های شوروی و جهان روبرو شد. کتاب های به ده ها زبان ترجمه و در میلیون ها نسخه چاپ شد. از آن ها فیلم های سینمایی تهیه کردند. در میهنش و در جهان بزرگ ترین ستایش ها را از او کردند و بهترین پاداش ها را به او دادند. در سایه نظام سوسیالیستی میهنش زندگی پربار و بی دغدغه ای را گذراند و در ۷۸ سالگی، غرق در افتخار و ستایش، به گفته شاعر، "چون شعی خاموش شد".

اما اگر به "سرنوشت یک انسان" دیگر، نویسنده ای نامدار و انسانی مبارز و والا، م. ا. به آذین، مترجم برجسته آثار شولوخف (و ده ها شاهکار دیگر ادبیات جهان) ببیندیشیم، نه

تنها چار تأثر و اندوه که دستخوش حسرت و درد و دریغ می شویم و به خشم می آیم.

به آذین نه تنها نویسنده، منتقد و مترجم برجسته ای است، بلکه انسان مبارزی است که همه عمر برای آزادی و دموکراسی رزمیده است. هم به قلم و هم به قدم. گذشته از نوشته هایش در این باره، به آذین همواره کوشیده است اهل قلم و اهل هنر را متحد و متشکل کند و تلاش های فردی آنان را به کوشش جمعی بدل سازد.

در رژیم شاه، به آذین از تشکیل دهندگان کانون نویسندگان ایران بود. پس از انقلاب، در شرایط تازه، همراه با دیگر نویسندگان و هنرمندان، شورای نویسندگان و هنرمندان ایران را به وجود آورد. اما به کوشش های ادبی و سیاسی به آذین چه پاسخی داده شد؟ در رژیم شاهنشاهی به آذین بارها بازداشت و زندانی شد. یک بار پس از کودتای ۲۸ مرداد، بار دیگر در سال ۱۳۴۹ (که ره آورد این سفر ناخواسته، کتاب "میهمان این آقایان" است.) بار دیگر در سال ۱۳۵۷ و در جریان اوج گیری انقلاب ایران، که به آذین جمعیت "اتحاد دموکراتیک مردم ایران" را به وجود آورد و در نخستین اعلامیه آن، شخص شاه را به عنوان نوکر و آلت دست امپریالیسم آمریکامحرم و مقصر شناخت و محکوم کرد.

به آذین، با وجود بیماری قلبی، بی درنگ بازداشت و در یکی از سلول های کینه زنده دانی شد و نه تنها به خانواده اش اجازه ملاقات ندادند که از قبول داروهای هم که برای او

آورده بودند، خودداری کردند. حال آن سیاستمداران "وزین و چا سنگین" را از زندان مستقیماً به "حضور اعلیحضرت" می بردند تا در صورت توافق، ترتیب نخست وزیری شان را بدهند.

به آذین هم مانند سایر زندانیان سیاسی، با فشار مردم، از زندان آزاد شد. و پس از انقلاب، صمیمانه در راه پیشبرد اهداف انقلاب کوشید. اما در یورش ضد مردمی ارتجاع حاکم، در بهمن ۶۱، به آذین، دبیر شورای نویسندگان و هنرمندان ایران نیز بازداشت شد و اکنون نیز بیش از یک سال است که در زندان است.

زعمای جمهوری اسلامی، این نویسنده بزرگ، مترجم برجسته و انسان آزاده و والا را مجبور کرده اند که دوران سالخوردگی و بیماری خود را در زندان های دوزخی جمهوری اسلامی بگذرانند. این سرنوشت به آذین و "قدردانی و حق شناسی" از او بود. اما کتاب های او نیز سرنوشت بهتری نداشته اند. به نوشته های خود او که در رژیم شاهنشاهی "منوع الانتشار" بودند و در رژیم جمهوری اسلامی هم همچنان "منوع الانتشار و ضاله" ماندند، فعلاً کاری نداریم. ترجمه های او نیز همان سرنوشت را داشتند. ترجمه استادانه "زمین نوآباد" شولوخف، درست هنگامی منتشر شد که رژیم شاهنشاهی، مدعی "اصلاحات ارضی" بود، و می دانیم که موضوع اصلی این کتاب حل مسئله ارضی در اتحاد شوروی پس از انقلاب است. این کتاب را توقیف کردند و دیگر اجازه انتشار نیافت. بعد از انقلاب هم، جز دوران کوتاه اولیه، آتش همان آتش بود و کاسه همان کاسه، سانسور همان سانسور و "فهرست کتب ضاله" همان فهرست شاهنشاهی.

نکنه جالب تر این که در کشوری که داشتن پدری با نفوذ و پر قدرت نردیام ترقی فرزندان است، فرزندان به آذین هم در مصائب و رنج های پدر شریک می شوند و در حقیقت چوب "فرزند به آذین" بودن را می خورند. پسر به آذین، یک بار در زمان شاه بازداشت و زندانی شد و بار دیگر در رژیم جمهوری اسلامی، تنها به گناه "پسر به آذین" بودن بازداشت شد و هنوز هم در زندان است.

دختران به آذین که معلم بودند، بی درنگ "پاکسازی" و از کار برکنار شدند.

به این ترتیب، در مقایسه زندگی شولوخف و زندگی به آذین و در مقایسه پاداشی که به هر کدام داده شد، آیا حق نداریم این شعر شاعر را تکرار کنیم که: نه بر مرده بر زنده باید گریست؟!؟

اما حساب حاکمان ضد خلقی "مکتبی" از حساب خلق جداست. خلق ما بزرگترین سپاس ها و ستایش ها را نثار فرزند شایسته خویش به آذین، کرده است. کتاب های او را چون ورق زر می بردند و می بردند. در سخنرانی های او، پیش از پیروزی انقلاب و پس از آن ده ها هزار تن حاضر می شدند. و اکنون نیز خلق ما نگران سرنوشت به آذین است.

حاکمیت «اسلامی»، یا حاکمیت «شلاقی»

در "امداد فیزی" و معجزه شک کتی شلاق می خوری... شلاق داروی همه دردهاست. هم مبارزه با احتکار و گرانفروشی و فروش مواد مخدر با شلاق صورت می گیرد و هم تهیه ردیه بر ماتریالیسم دیالکتیک برای نمایش در سیمای زشت جمهوری اسلامی!

این روزها ظاهراً آتش شلاق بیش از "خدمت جاز" شور شده است، زیرا یکی از "تئوریسین" های حکومت "شلاق" مجبور شده در خطبه نماز جمعه بگوید که منظور از "تعزیر اسلامی"، فقط شلاق زدن نیست، بلکه می توان با گرفتن پول و چربیم نقدی هم "تعزیر" کرد. خوب این فکر بدیع و نوآوری "اسلامی" لااقل می تواند پولدارانی را که دمی به خمر زده اند یا در حال ورق بازی بوده اند و ناکهان "ثارالله" آنانرا در اتاق خواب غافلگیر کرده است از شلاق خوردن پرهانند تا آبروی خمس و زکات دهندگان ریخته نشود، بگذار شلاق بماند برای کارگران و دهقانان، برای توده ای و فدائی و مجاهد در شکنجه گاه اوین، برای خلق.

ارتجاع قشری حاکم بر میهن پلاکشیده ما ایران، شلاق را تنها نوشداری درمان آنچه که غیر "اسلامی" می شمارد، می شناسد. زنان را شلاق می زند که چرا تازی از مویشان دیده شده و سنگر خود "حجاب" را رها کرده اند و پیرمردان را شلاق می زند تا علیه مارکسیسم و کمونیسم "مصاحبه" کنند. کارگران را در زیر زمین وزارت کار شلاق می زند تا دیگر از کارفرمایان متعهد به "اسلام و ولایت فقیه" حق قانونی خود را طلب نکنند. کسانی که با برقرار کردن "ازدواج موقت" و "صیغه" زن محروم ایرانی را به زور به فحشا می کشانند، زنان محترم سپید موئی را شلاق می زند تا جلوی دوربین "سیمای" جمهوری اسلامی بگویند در میان کمونیستها، این بزرگترین مدافعان حقوق و شخصیت زن، "فحشا" وجود دارد.

این فهرست زشتکاری را در جمهوری اسلامی پایانی نیست. همه چیز با شلاق حل و فصل می شود، کج پنشنی شلاق می خوری، راست بگوئی شلاق می خوری، به بازگشت خان و مالک اعتراض کنی شلاق می خوری،



اوضاع لبنان

اوضاع بیروت و اطراف آن در هفته گذشته همچنان متشنج بود. تیراندازی متقابل با استفاده از سلاحهای سنگین در امتداد خطی که بیروت را به بخشهای غربی و شرقی تقسیم کرده است، ادامه یافت. غرش توپها در بخش کوهستانی لبنان نیز خاموش نمی‌شوند. در مناطق جنوبی لبنان که تحت اشغال نیروهای مسلح اسرائیل است استیلگران به اعمال ترور و زور گویی در مورد اهالی محلی شدت می‌دهند. باید گفت که پس از لغو موافقتنامه اسارت بار منعقد با تل‌آویو از سوی دولت لبنان، تجاوزگران به انجام عملیات سفاکانه وسیع در نقاط مسکونی دست زدند.

در چنین اوضاع و احوالی در روز ۱۲ مارس در شهر لوزان سوییس مرحله دوم کنفرانس آشتی ملی در لبنان آغاز شد. مسائل مربوط به عادی کردن اوضاع کشور و طرق دستیابی به موافقتنامه آتش بس، فرمول بندی اصول عمومی رفع بحران در داخل لبنان و تشکیل دولت توافق ملی از جمله مسائلی است که در دستور روز این کنفرانس گنجانده شده بود. از سرگیری این کنفرانس تنها در نتیجه لغو موافقتنامه اسارت باری که از سوی واشنگتن و تل‌آویو به لبنان تحمیل شده بود، میسر گردید. در پایان این کنفرانس موافقت نامه‌ای برای برقراری آتش بس به امضا رسید و کمیسیون ویژه‌ای برای نظارت برانجام این موافقت نامه تشکیل داده شد.

این پیروزی بزرگ میهن پرستان لبنانی است. در عین حال در محافل سیاسی اعراب متذکر می‌شوند که دور دوم مذاکرات در شرایط ادامه اشغال تقریباً یک سوم سرزمین لبنان از سوی نیروهای مسلح اسرائیلی و نیز حضور سپاه آمریکایی مستقر در کشتی‌های جنگی ناوگان ششم آمریکا که در نزدیکی سواحل لبنان مستقرند، برگزار شد.

روزنامه‌های لبنان منجمله روزنامه السفير یادآوری می‌کند که تشدید بحران نظامی در آن منطقه با مداخله ناهنجار اسرائیل و آمریکا در امور داخلی لبنان مربوط است.

روزنامه الندامی نویسد واشنگتن از ثمرات تجاوز اسرائیل بهره گیری کرده و تابستان سال ۱۹۸۲ تفنگداران دریایی خود را زیر عنوان به اصطلاح نیروهای چندملیتی وارد بیروت کرد و سپس کشتی‌های جنگی ناوگان ششم را در نزدیکی سواحل لبنان متمرکز ساخت. طی تقریباً ۱۷ ماه سربازان آمریکایی خاک لبنان در نواحی جنوب پایتخت را لگد مال می‌کردند و محلات مسلمان نشین را به توپ می‌بستند.

ژرژ هائویی دبیر کل حزب کمونیست لبنان طی بیاناتی اظهار داشت موفقیت قطعی کنفرانس لوزان به حل و فصل مسائلی نظیر رهائی جنوب لبنان از اشغالگران اسرائیلی و از بین بردن همه اشکال حضور نظامی آمریکادر لبنان بستگی دارد.

ابرهای سیاه بر فراز خلیج فارس

هفته نامه "عصر جدید"، چاپ مسکو در شماره دوم مارس خود در مقاله‌ای با عنوان "ابرهای سیاه بر فراز خلیج فارس" به قلم ک. درامبیانتس چین می‌نویسد:

جنگ خونین و ادامه یابنده میان ایران و عراق که هر دو کشور نقش مهمی در جنبش ضدامپریالیستی داشتند آنان را تضعیف و بی‌رقم می‌کند و از مبارزه با خطر امپریالیستی که بر فراز سرخاورد نزدیک مقرر است باز می‌دارد. در واشنگتن هنگامی که پیرامون تدارکات صحبت می‌کنند، تدارکاتی که به منظور مقابله با تهدید توقف جریان نفت از منطقه خلیج فارس دیده شده، آشکارا این مطلب را در نظر دارند. هدف و استراتژی واشنگتن این است که این حق را به خود اختصاص دهد در مورد سرخاورد خلیج فارس و تضمین امنیت منطقه را تصمیم بگیرد. طراحی نظامی آمریکا برای توجیه مقاصد خود می‌گویند کشورهای عربی این بخش از جهان، غول‌های اقتصادی هستند ولی نمی‌توانند به تنهایی امنیت خود را تضمین کنند و به این جهت باید روی قدرت نظامی آمریکا حساب کنند.

مؤلف مقاله معتقد است ایالات متحده آمریکا، تمایل ندارد که نقشه‌های مداخله گرانه خود را به تنهایی پیاده کند، گرچه برای انجام این کار نیروی کافی در خلیج فارس گردهم آورده است. بدین منظور واشنگتن می‌کوشد به اعمال خود خصمت "دسته جمعی" بدهد و متحدان ناتوئی - انگلستان و فرانسه را که دارای نیروی دریایی عظیمی در نزدیکی خلیج فارس هستند، در این کار شریک کند. خطر مذاجله امپریالیستی که بر فراز خلیج فارس می‌گردد، باردیگر ثابت می‌کند جنگ ایران و عراق باید پایان یابد و آرامش و صلح در منطقه برقرار شود.

نوروزتان خجسته!

نوروز، جشن پیروزی روشنائی بر تاریکی، و پیروزی بهار بر زمستان، و فرا رسیدن سال نو را به هموطنان گرامی شادباش می‌گوییم و آرزو داریم سال نو، سال آزادی، سال نجات انقلاب، سال صلح و سال بهروزی مردم و پیروزی در کار و پیکار باشد.

خاطراتی از رفیق شهید ناخدا یکم بهرام افصلی

بقیه از صفحه ۹

می‌گویند اینها جاسوس بودند... آیا در زندانهای خمینی به روی یکی اترز می‌جامع بین‌المللی که از حقوق بشر دفاع می‌کنند تا به حال باز شده است یا اگر هم شده همان روش شاه ملعون به کار گرفته نشده که زندانیان را شکنجه می‌دهند تا به مامور سازمان حقوق بشر بگویند که شکنجه نشده‌اند و از زندانی بودن خود بسیار مسرور هستند چون زندان مثل مدرسه برای آنها...
در پایان نامه ام دلم می‌خواهد یک لحظه هم این فکر به خاطر عزیزتان خطور نکند نکته اینها جاسوس بودند...

دلم می‌خواهد به عنوان یک ایرانی به شما که در هر جای دنیا هستید شما که برای ایران و آزادی‌اش پیکار می‌کنید بگویم که برای همه زندانی‌های سیاسی ایران حال می‌خواهند افسر، دانشجو، خانه‌دار و غیره باشند دفاع کنید به شغل و عقاید سیاسی آنها کاری نداشته باشید... مملکتی بروی پای خود خواهد ایستاد که مردمش به حدی از رشد فکری رسیده باشند که به عقاید سیاسی، مذهبی و آزادی‌های فردی یکدیگر احترام بگذارند.

کمک مالی به حزب توده ایران، یک وظیفه انقلابی است!

• هواداران حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در بریتانیا هزینه‌های چاپ این شماره "راه توده" را تأمین کردند

شعبه حزب سوسیالیست پرتوریکد ریشیکا گوه آدلار
د هوادار حزب در بریتانیا هریک ۱۰ پوند

RAHE TUDEH
No. 84
Monday, 19 Mars 84
Address: Winfried Schwarz
Markgrafenstr. 13
6000 Frankfurt 90

| | | | |
|--------------|-------------|-----|------|
| Prices: | England | 30 | P. |
| West-Germany | Belgium | 22 | Fr. |
| | Italy | 600 | L. |
| France | Fr. U.S.A. | 50 | Cts. |
| Austria | Sch. Sweden | 3 | Skr. |

